

سلسله مباحث مہدویت

تولد حضرت مہدی

علی اصغر رضوانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



انتشارات مجلس خبرگان

-
- | | |
|------------|---|
| نام کتاب: | تولد حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> |
| مؤلف: | علی اصغر رضوانی |
| صفحه آرا: | امیر سعید سعیدی |
| ناشر: | انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| تاریخ نشر: | تابستان ۱۳۸۵ |
| نوبت چاپ: | اوّل |
| چاپ: | سرور |
| تیراژ: | ۳۰۰۰ جلد |
| قیمت: | ۴۰۰ تومان |
| شابک: | ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۰۱۷ - ۶ |
-

- | | |
|---|----------------------------|
| مرکز پخش: | انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران | |
| تلفن و نمابر: | ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ |
| قم - صندوق پستی: | ۶۱۷ |

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

تولد

حضرت مهدی «علیه السلام»

تألیف: علی اصغر رضوانی

فهرست مطالب

۹	مقدمه ناشر
۱۱	چگونگی ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۹	مبنای مؤلفان حدیثی مصادر مهدویت
۲۲	نسبت ضعف به احادیث ولادت
۲۴	عوامل مؤثر در حصول یقین به ولادت
۲۵	احادیث صحیح السنه در مورد ولادت
۲۸	خبر از ولادت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۲	خبر رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> از ولادت
۳۳	خبر حضرت علی <small>علیه السلام</small> از ولادت
۳۴	خبر امام حسن <small>علیه السلام</small> از ولادت
۳۴	خبر امام حسین <small>علیه السلام</small> از ولادت
۳۵	خبر امام سجاد <small>علیه السلام</small> از ولادت
۳۶	خبر امام باقر <small>علیه السلام</small> از ولادت
۳۶	خبر امام صادق <small>علیه السلام</small> از ولادت
۳۸	خبر امام کاظم <small>علیه السلام</small> از ولادت
۳۹	خبر امام رضا <small>علیه السلام</small> از ولادت
۴۰	خبر امام جواد <small>علیه السلام</small> از ولادت
۴۱	خبر امام هادی <small>علیه السلام</small> از ولادت
۴۲	خبر امام عسکری <small>علیه السلام</small> از ولادت
۴۳	تشخیص هویت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۴	وضعیت سیاسی عصر امام عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۶	خوف از قتل

۴۷	وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۸	اولین مالک نرجس خاتون
۴۸	بررسی یک روایت
۵۰	ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> قبل از ظهور
۵۱	اختلاف در ولادت
۵۲	عصر حیرت
۵۳	کوشش برای رفع حیرت
۵۴	کوشش در عصرهای مختلف
۵۶	علت اختلاف در امر ولادت
۵۸	علت وصیت به مادر
۵۸	نص بر امام زمان <small>علیه السلام</small>
۶۰	اتفاق امامیه بر ولادت
۶۱	اتفاق مورخان شیعه بر ولادت
۶۱	حکم منکر ولادت
۶۲	ملاقات با امام زمان
۶۵	اعتراف علمای انساب به ولادت
۶۶	عدم اعتنا به انکار جعفر
۶۷	ادعای دروغین
۶۷	کارهای ناشایست جعفر
۶۸	تشبیه جعفر به برادران یوسف
۶۹	انتقال امامت به دو برادر
۷۱	تعزیت به جعفر

ولادت مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

۷۵	اعتراف اهل سنت به ولادت
۷۵	۱ - علامه شمس الدین قاضی ابن خلکان شافعی

- ۲ - علامہ صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی ۷۶
- ۳ - ابن اثیر جزری ۷۶
- ۴ - علامہ میر خواند ۷۷
- ۵ - علی بن حسین مسعودی ۷۷
- ۶ - ابوالفداء اسماعیل بن علی شافعی ۷۸
- ۷ - علامہ محمد فرید وجدی ۷۸
- ۸ - سبط بن جوزی ۷۸
- ۹ - محمد بن طلحہ شافعی ۷۹
- ۱۰ - شمس الدین محمد بن طولون حنفی ۷۹
- ۱۱ - میرزا محمد بن رستم بدخشی شافعی ۷۹
- ۱۲ - احمد بن حجر ہیتمی شافعی ۸۰
- ۱۳ - محیی الدین بن عربی ۸۰
- ۱۴ - مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی ۸۰
- ۱۵ - ابوالولید محمد بن شحہ حنفی ۸۱
- ۱۶ - شیخ محمد بن علی صبان شافعی ۸۱
- ۱۷ - شیخ صفی الدین عبدالمؤمن بغدادی ۸۲
- ۱۸ - شیخ زین الدین عمر بن وردی ۸۲
- ۱۹ - ابوالعباس احمد بن علی قلقشندی شافعی ۸۲
- ۲۰ - ابو عبداللہ یاقوت حموی ۸۳
- ۲۱ - محمد امین بغدادی معروف بہ سویدی ۸۳
- ۲۲ - ابن خلدون مغربی ۸۳
- ۲۳ - ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شہرستانی ۸۳
- ۲۴ - نور الدین ابن صباغ مالکی ۸۴
- ۲۵ - محمد بن محمود بخاری ۸۴
- ۲۶ - ملاعلی قاری حنفی مکی ۸۵
- ۲۷ - فضل بن روز بہان ۸۵

- ۲۸ - جمال الدین محمد بن یوسف زرندی حنفی ۸۵
- ۲۹ - قاضی بهلول بهجت افندی ۸۶
- ۳۰ - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی ۸۶
- ۳۱ - احمد امین مصری ۸۶
- ۳۲ - شیخ حسین بن محمد دیار بکری مالکی ۸۷
- ۳۳ - شمس الدین ذهبی شافعی ۸۷
- ۳۴ - فخر رازی شافعی ۸۸
- ۳۵ - علامه نسابه سید محمد بن حسین حسینی ۸۹
- ۳۶ - شریف انس کتبی حسنی ۸۹
- ۳۷ - شیخ عبدالله بن محمد شیرازی مصری شافعی ۹۰
- ۳۸ - ابن عماد دمشقی حنبلی ۹۱
- ۳۹ - جمال الدین احمد بن علی حسینی ۹۱
- ۴۰ - محمد بن عبدالرسول برزنجی شافعی ۹۲
- ۴۱ - ابوالبرکات نعمان بن محمود آلوسی حنفی ۹۲
- کسانی که مهدی را همان موعود جهانی می دانند ۹۲
- ۱ - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی ۹۳
- ۲ - عارف عبدالوهاب شعرانی حنفی ۹۳
- ۳ - شیخ سلیمان قندوزی حنفی ۹۳
- ۴ - شیخ نور الدین عبدالرحمن جامی حنفی ۹۴
- ۵ - شیخ الاسلام صدر الدین حموی ۹۴
- ۶ - شیخ فرید الدین عطار نیشابوری ۹۴
- ۷ - جلال الدین بلخی رومی ۹۵
- ۸ - ابوالمعالی صدر الدین قونوی ۹۵
- ۹ - احمد بن یوسف ابوالعباس قرمانی حنفی ۹۵
- سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت ۹۷

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می‌کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می‌دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده‌اند و با پوچ‌گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده‌اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حق جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات
مسجد مقدّس جمکران
حسین احمدی

چگونگی ولادت حضرت مهدی علیه السلام

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام گوید: امام حسن عسکری علیه السلام مرا به نزد خود فراخواند و فرمود: ای عمّه! امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خدای تعالی امشب حجّت خود را که حجّت او در روی زمین است ظاهر سازد. گوید: گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس، گفتم: فدای شما شوم اثری در او نیست، فرمود: همین است که به تو می‌گویم، گوید آمدم و چون سلام کردم و نشستم نرجس آمد کفش مرا بردارد و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم حالتان چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و خاندان من هستی، گوید: از کلام من ناخرسند شد و گفت: ای عمّه جان! این چه فرمایشی است؟ گوید: بدو گفتم: ای دختر جان! خدای تعالی امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقا است، گوید: نرجس خجالت کشید و استحیا نمود.

و چون از نماز عشا فارغ شدم افطار کردم و در بستر خود قرار گرفته و خوابیدم و در دل شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم در حالی که نرجس خوابیده بود و رخدادی برای وی نبود، سپس برای تعقیبات نشستم و پس از آن نیز دراز کشیدم و هراسان بیدار شدم و او هم‌چنان خواب بود سپس برخاست و نمازگزارد و خوابید.

حکیمه گوید: بیرون آمدم و در جست و جوی فجر به آسمان نگریستم و دیدم فجر اول دمیده است و او در خواب است، شک بر دلم عارض گردید ناگاه ابو محمد علیه السلام از محلّ خود فریاد زد ای عمّه! شتاب مکن! که اینجا کار نزدیک شده است، گوید: نشستیم و به قراءت سورهٔ اَلَمْ سجدده و سورهٔ یَسّ پرداختیم و در این اثنا او هراسان بیدار شد و من به نزد او پریدم و بدو گفتم: اسم الله بر تو باد آیا چیزی را احساس می‌کنی؟ گفت: ای عمّه! آری، گفتم: خودت را جمع کن و دلت را استوار دار که همان است که با تو گفتم. حکیمه گوید: مرا و نرجس را ضعفی فرا گرفت و به آواز سرورم به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و ناگهان سرور خود را دیدم که در حال سجده است و مواضع سجودش بر زمین است او را در آغوش گرفتم دیدم پاک و نظیف است. ابو محمد علیه السلام فریاد برآورد که ای عمّه! فرزندم را به نزد من آور! او را نزد وی بردم و او دو کف دستش را گشود و فرزند را در میان آن قرار داد و دو پای او را بر سینهٔ خود نهاد سپس زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل وی کشید، سپس فرمود: ای فرزندم! سخن گوی، گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سپس درود بر امیرالمؤمنین و ائمه فرستاد تا آن که بر پدرش رسید و زبان درکشید.

سپس ابو محمد علیه السلام فرمود: ای عمّه! او را به نزد مادرش ببر تا بر او سلام کند آن گاه به نزد من آور، پس او را بردم و بر مادر سلام کرد و او را بازگردانیده و در مجلس نهادم سپس فرمود: ای عمّه! چون روز هفتم فرار رسید نزد ما بیا.

حکیمه گوید: چون صبح شد آمدم تا بر ابو محمد علیه السلام سلام کنم و پرده را کنار زدم تا از سرورم تفقدی کنم، او را ندیدم، گفتم: فدای شما شوم سرورم چه می‌کند؟ فرمود: ای عمّه! او را به آن کسی سپردم که مادر موسی موسی را به وی سپرد.

حکیمه گوید: چون روز هفتم فرا رسید آمدم و سلام کردم و نشستم فرمود: فرزندم را به نزد من آور! و من سرورم را آوردم و او در خرّقه‌ای بود و با او همان کرد که اول بار کرده بود، سپس زبانش را در دهان او گذاشت و گویا شیر و عسل به وی می‌داد، سپس فرمود: ای فرزندم! سخن گوی! و او گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَدُرُودُ بَرِّ مُحَمَّدٍ وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَائِمَّةِ طَاهِرِينَ فَرَسْتَادُ تَأْنِ كِهْ بَرِ پَدْرَش رَسِيدِ، سِپَس اَيْن اِيَه رَا تَلَاوَت فَرْمُود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ مَا ارَادَه مِي كَنِيم كِه بَر مَسْتَضَعْفَان زَمِين مَنّت نِهَادَه وَ اَنَان رَا ائِمّه وَ وَاَرَثِين قَرَار دِهِيم وَ اَنَان رَا مَتَمَكَّن دَر زَمِين سَاخْتَه وَ بَه فَرَعُون وَ هَامَان وَ لَشْكِرِيَان اَن هَا اَنچَه كِه از اَن بَر حَذْر بُوَدَنَد بِنْمَايَانِيم.

موسی بن محمد راوی این روایت گوید از عقبه خادم از این قضیه پرسش کردم، گفت: حکیمه راست گفته است.^۱

محمد بن عبدالله گوید: پس از درگذشت ابو محمد علیه السلام به نزد حکیمه دختر امام جواد علیه السلام رفتم تا در موضوع حجّت و اختلاف مردم و حیرت آن‌ها درباره او پرسش کنم. گفت: بنشین، و من نشستم، سپس گفت: ای محمد! خدای تعالی زمین را از حجّتی ناطق و یا صامت خالی نمی‌گذارد و آن را پس از حسن

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۴۳، ۱۴۷.

و حسین علیه السلام در دو برادر ننهاده است و این شرافت را مخصوص حسن و حسین علیه السلام ساخته برای آن‌ها عدیل و نظیری در روی زمین قرار نداده است جز این که خدای تعالی فرزندان حسین را بر فرزندان حسن علیه السلام برتری داده، هم چنان که فرزندان هارون را بر فرزندان موسی به فضل نبوت برتری داد، گرچه موسی حجت بر هارون بود، ولی فضل نبوت تا روز قیامت در اولاد هارون است و به ناچار بایستی امت یک سرگردانی و امتحانی داشته باشند تا مبطلان از مخلصان جدا شوند و از برای مردم بر خداوند حجتی نباشد و اکنون پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام دوره حیرت فرا رسیده است.

گفتم: ای بانوی من! آیا از برای امام حسن علیه السلام فرزندی بود؟ تبسمی کرد و گفت: اگر امام حسن علیه السلام فرزندی نداشت پس امام پس از وی کیست؟ با آن که تو را گفتم که امامت پس از حسن و حسین علیه السلام در دو برادر نباشد. گفتم: ای بانوی من! ولادت و غیبت مولایم علیه السلام را برایم بازگو. گفت: آری، کنیزی داشتم که بدو نرجس می‌گفتند، برادرزاده‌ام به دیدارم آمد و به او نیک نظر کرد، بدو گفتم: ای آقای من! دوستش داری او را به نزدت بفرستم؟ فرمود: نه عمه جان! اما از او درشگفتم! گفتم: شگفتی شما از چیست؟ فرمود: به زودی فرزندی از وی پدید آید که نزد خدای تعالی گرامی است و خداوند به واسطه او زمین را از عدل و داد آکنده سازد، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد، گفتم: ای آقای من! آیا او را به نزد شما بفرستم؟ فرمود: از پدرم در این باره کسب اجازه کن، گوید: جامه پوشیدم و به منزل امام هادی علیه السلام درآمدم، سلام کردم و نشستم و او خود آغاز سخن فرمود و گفت: ای حکیمه! نرجس را نزد فرزندم ابی محمد

بفرست، گوید: گفتم: ای آقای من! بدین منظور خدمت شما رسیدم که در این باره کسب اجازه کنم، فرمود: ای مبارکه! خدای تعالی دوست دارد که تو را در پادشاه این کار شریک کند و بهره‌ای از خیر برای تو قرار دهد، حکیمه گوید: بی‌درنگ به منزل برگشتم و نرجس را آرامش و در اختیار ابومحمد قرار دادم و پیوند آن‌ها را در منزل خود برقرار کردم و چند روزی نزد من بود سپس نزد پدرش رفت و او را نیز همراهش روانه کردم.

حکیمه گوید: امام هادی علیه السلام درگذشت و ابومحمد بر جای پدر نشست و من همچنان که به دیدار پدرش می‌رفتم به دیدار او نیز می‌رفتم. یک روز نرجس آمد تا کفش مرا بگیرد و گفت: ای بانوی من کفش خود را به من ده! گفتم: بلکه تو سرور و بانوی منی، به خدا سوگند که کفش خود را به تو نمی‌دهم تا آن را برگیری و اجازه نمی‌دهم که مرا خدمت کنی، بلکه من به روی چشم تو را خدمت می‌کنم. ابو محمد علیه السلام این سخن را شنید و گفت: ای عمه! خدا به تو جزای خیر دهد و تا هنگام غروب آفتاب نزد امام نشستم و به آن جاریه بانگ می‌زدم که لباسم را بیاور تا بازگردم! امام می‌فرمود: خیر، ای عمه جان! امشب را نزد ما باش که امشب آن مولودی که نزد خدای تعالی گرمی است و خداوند به واسطه او زمین را پس از مردنش زنده می‌کند متولد می‌شود، گفتم: ای سرورم! از چه کسی متولد می‌شود و من در نرجس آثار بارداری نمی‌بینم، فرمود: از همان نرجس نه از دیگری. حکیمه گوید: به نزد او رفتم و پشت و شکم او را واری کردم و آثار بارداری در او ندیدم، به نزد امام برگشتم و کار خود را بدو گزارش کردم، تبسمی فرمود و گفت: در هنگام فجر آثار بارداری

نوری نرجس را فرا گرفته است و توان دیدن آن را ندارم و آن کودک علیه السلام را دیدم که روی به سجده نهاده و دو زانو بر زمین نهاده است و دو انگشت سبابه خود را بلند کرده و می‌گوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ) وَأَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»، سپس امامان را یکایک برشمرد تا به خودش رسید، سپس فرمود: بارالها! آنچه به من وعده فرمودی به جای آر، و کار مرا به انجام رسان و گامم را استوار ساز و زمین را به واسطه من پر از عدل و داد گردان. ابومحمد علیه السلام بانگ برآورد و فرمود: ای عمه، او را بیاور و به من برسان. او را برگرفتم و به جانب او بردم، و چون او در میان دو دست من بود و مقابل او قرار گرفتم بر پدر خود سلام کرد و امام حسن علیه السلام او را از من گرفت و زبان خود در دهان او گذاشت و او از آن نوشید، سپس فرمود: او را به نزد مادرش ببر تا بدو شیر دهد، آن‌گاه به نزد من بازگردان. و او را به مادرش رسانیدم و بدو شیر داد و بعد از آن او را به ابو محمد علیه السلام بازگردانیدم در حالی که پرنده‌گان در بالای سرش در طیران بودند، به یکی از آن‌ها بانگ برآورد و گفت: او را بگیر و نگاهدار و هر چهل روز یک بار به نزد ما بازگردان و آن پرنده او را برگرفت و به آسمان برد و پرنده‌گان دیگر نیز به دنبال او بودند، شنیدم که ابومحمد علیه السلام می‌گفت: تو را به خدایی سپردم که مادر موسی موسی را سپرد، آن‌گاه نرگس گریست و امام بدو فرمود: خاموش باش که بر او شیر خوردن جز از سینه تو حرام است و به زودی نزد تو بازگردد همچنان که موسی به مادرش بازگردانیده شد و این قول خدای تعالی است که ﴿فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ﴾. حکیمه گوید: «گفتم: این پرنده چه بود؟ فرمود: این روح

القدس است که بر ائمه علیهم السلام گمارده شده است، آنان را موفق و مسدد می‌دارد و به آنها علم می‌آموزد.

حکیمه گوید: پس از چهل روز آن کودک برگردانیده شد و برادرزاده‌ام به دنبال من کس فرستاد و مرا فراخواند و بر او وارد شدم و به ناگاه دیدم که همان کودک است که مقابل او راه می‌رود. گفتم: ای آقای من! آیا این کودک دو ساله نیست؟ تبسمی فرمود و گفت: اولاد انبیا و اوصیا اگر امام باشند به خلاف دیگران نشو و نما کنند و کودک یک ماهه ما به مانند کودک یک ساله باشد و کودک ما در رحم مادرش سخن گوید و قرآن تلاوت کند و خدای تعالی را بپرستد و هنگام شیرخوارگی ملائکه او را فرمان برند و صبح و شام بر وی فرود آیند.

حکیمه گوید: پیوسته آن کودک را چهل روز یکبار می‌دیدم تا آن که چند روز پیش از درگذشت ابومحمد علیه السلام او را دیدم که مردی بود و او را نشناختم و به برادرزاده‌ام گفتم: این مردی که فرمان می‌دهی در مقابل او بنشینم کیست؟ فرمود: این پسر نرجس است و این جانشین پس از من است و به زودی مرا از دست می‌دهید پس بدو گوش فرادار و فرمانش ببر.

حکیمه گوید: پس از چند روز ابومحمد علیه السلام درگذشت و مردم چنان که می‌بینی پراکنده شدند و به خدا سوگند که من هر صبح و شام او را می‌بینم و مرا از آنچه می‌پرسید آگاه می‌کند و من نیز شما را مطلع می‌کنم و به خدا سوگند که گاهی می‌خواهم از او پرسشی کنم و او نپرسیده پاسخ می‌دهد و گاهی امری بر من وارد می‌شود و همان ساعت پرسش نکرده از ناحیه او

جوابش صادر می‌شود. شب گذشته مرا از آمدن تو باخبر ساخت و فرمود: تو را از حق خبردار سازم.

محمد بن عبدالله راوی حدیث گوید: به خدا سوگند حکیمه اموری را به من خبر داد که جز خدای تعالی کسی بر آن مطلع نیست و دانستم که آن صدق و عدل و از جانب خدای تعالی است، زیرا خدای تعالی او را به اموری آگاه کرده است که هیچ یک از خلائق را بر آن‌ها آگاه نکرده است.^۱

مبنای مؤلفان حدیثی مصادر مهدویت

برخی می‌گویند: «معروف نزد قدما چنین بوده که هر روایتی در مسائل تاریخی و از آن جمله موضوع مهدویت را بدون بررسی سند آن نقل می‌کردند. ولی بعد از آن عصر، حرکت جدیدی پدید آمد و بین روایات تمییز داده شد، تا زمانی که حرکت اصولیین پدید آمد و اخبار را به دسته‌های مختلف از قبیل: صحیح، حسن، قوی و ضعیف تقسیم نمودند، ولی این پیشرفت و حرکت شامل روایت‌های تاریخی که از آن جمله روایات مهدویت است، نگردید...»^۲.
در پاسخ آنان می‌گوییم:

۱ - آنچه از قدمای محدثین امامیه می‌دانیم آن است که آنان نهایت سعی و کوشش و احتیاط خود را در جمع و نقل احادیث در کتب خود داشته‌اند، که از آن جمله کلینی رحمته الله است. او نزد اهل فن حدیث، معروف به دقت نظر و احتیاط در نقل اخبار است. و نیز می‌دانیم که بزرگانی امثال شیخ طوسی رحمته الله چه اهتمام

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۴۷ - ۱۵۴. ۲. تطور الفكر السياسي، ص ۲۰۹.

وافری به شناخت شیوخ روایی خود داشته‌اند. شخصی مثل شیخ صدوق علیه السلام عادتاً شیوخ خود را می‌شناخته و نیز از حالات آنان از ایمان و عدالت آگاهی داشته است، و از کسی که او را نمی‌شناخته روایت نقل نمی‌کرده است.

۲ - ما اطمینان داریم که این بزرگان به صحت این‌گونه روایات که در باب امامت و مهدویت وارد شده اطمینان کامل داشته‌اند، و یا لااقل به جهت برخی قراین معتبر که همراه آن‌ها بوده و موجب جبران ضعف برخی از آن‌ها می‌شده، آن‌ها را با اطمینان کامل نقل می‌کردند. وگرنه جای این سؤال باقی است که امثال شیخ صدوق و طوسی و دیگران چه اهدافی غیر از احتجاج و استدلال به آن‌ها، داشته‌اند. مگر این نیست که شیخ صدوق کتابش را برای رفع حیرت در امر حضرت مهدی علیه السلام نوشته است؟

۳ - تمام یا بیشتر اصول و منابع اصلی احادیث مهدویت که در سه قرن اوّل نوشته شده به دست شیخ صدوق، طوسی و نعمانی رسیده و از خود به آن کتاب‌ها استناد داشته‌اند، و لذا به آن روایات استدلال می‌نمودند.

۴ - گرچه تقسیم حدیث به چهار قسم از اصطلاحات متأخرین است ولی قدمای محدثین از آن جمله شیخ طوسی علیه السلام روش خاصی در قبول خبر داشته‌اند.

شیخ بهایی بعد از تقسیم حدیث به چهار قسم معروف، می‌گوید: «این اصطلاح نزد قدما معروف نبوده بلکه آنان حدیث صحیح را به حدیثی اطلاق می‌کردند که مقرون به قراین مورد وثوق و اطمینان باشد. و این قراین انواعی دارد:

الف . وجود حدیث در اصول ۴۰۰ گانه حدیثی که نزد راویان مشهور بوده است.

ب . تکرار حدیث در یک یا دو اصل یا بیشتر از این اصول با سندهای متعدد و معتبر.

ج . وجود حدیث در اصلی که انتسابش به یکی از اصحاب ائمه ثابت و اجماع اصحاب بر صدق او بوده است.

د . وجود حدیث در یکی از کتبی که بر ائمه عرضه شده و آن حضرات، مصنف آن کتب را تمجید نمودند، از قبیل کتاب: عبیدالله بن علی حلبی که بر امام صادق علیه السلام عرضه شد.^۱

ه . وجود حدیث در کتبی که نزد قدما مورد وثوق و اطمینان بوده است.^۲

۵ - علمای رجال، مجهول را بر دو نوع تقسیم کرده‌اند:

الف . مجهول اصلاحي: و آن به کسی اطلاق می‌شود که تصریح به جهالت او از سوی رجالیون شده باشد.

ب . مجهول لغوی: و آن به کسی اطلاق می‌شود که وضعیت او معلوم نیست و لذا در کتب رجال از او یادی به میان نیامده است. تنها قسم اول از جهالت است که موجب ضعف راوی است، و در مورد دوم احتیاج به بررسی دقیق دارد که سبب مطرح نشدن او در کتب رجال چیست؟ گاه ممکن است به جهت معروف بودنش درباره او سکوت کرده‌اند.^۳

۲. وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۱۹۷ و ۱۹۸.

۱. رجال نجاشی، ص ۲۳۰.

۳. الرواشح، میرداماد، ص ۶۰ و ۶۱.

۶ - احتمالی نیز وجود دارد که بنای قدما بر تمسک به «اصالة الصدق والعدالة» باشد. یعنی اصل اولی بر صدق و عدالت راوی است مگر آن که خلاف آن ثابت شود. و مقصود به آن، همان اصل عدم و یا استصحاب عدم فسق است. به همین جهت است که ما احتیاجی به اثبات عدالت - خواه به معنای ملکه یا حسن ظاهر - نداریم؛ زیرا احراز آن مستلزم تعطیل امور و تزییع بسیاری از مصالح است. کمتر کسی است که بتوان عدالت او را به اثبات رسانید. این مطلب مورد تأیید عقلا نیز هست.

۷ - برای اثبات اعتبار روایات نباید تنها اعتبار سندی را مطرح ساخت، بلکه باید به همه راهها و اسباب اعتبار شخص توجه کرد و در نظر داشت که مبنای بسیاری از عالمان شیعه، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان، حجیت خبر موثوق به است؛ یعنی خبری که از طرق مختلف به آن اطمینان و وثوق حاصل شود.

نسبت ضعف به احادیث ولادت

برخی می‌گویند: «... مؤلفان در مورد ولادت حضرت مهدی علیه السلام به هر روایتی تمسک کرده‌اند در حالی که خود به ضعف سند آنها پی برده‌اند...»^۱
در پاسخ آنان می‌گوییم:

۱ - احادیث مربوط به ولادت حضرت مهدی علیه السلام به جهت وجود برخی از سندهای صحیح در میان آنها کافی است که سند روایات دیگر که از ضعف

برخوردارند، تقویت کند، و این مسلکی است که مورد قبول محدثین شیعه و اهل سنت واقع شده است.^۱

۲- احادیثی که درباره مسائل مسلم اعتقادی و کلامی است از آن جهت که نزد شیعه ثابت بوده و به تأیید قطعی عقل نیز رسیده است، راویان آن مورد جرح و تعدیل قرار نگرفته‌اند، و به طور کلی احتیاجی به آن نبوده است، که از آن جمله می‌توان به احادیث مهدویت اشاره کرد.

۳- احادیث ولادت حضرت مهدی علیه السلام که به دلالت مطابقی یا تضمینی یا التزامی دلالت بر ولادت حضرت دارد از حد لازم تواتر فراتر رفته است، لذا به جهت آن که مفید یقین است احتیاج به بررسی سندی ندارد. خبر متواتر، نقل جماعت کثیری است که اتفاقشان بر دروغ، محال است. و می‌دانیم که در خبر متواتر لازم نیست که هر یک از راویان حدیث از ثقات و عدول باشند، بلکه می‌توان از راه تراکم احتمالات به یقین رسید.

۴- شخص منتبّع بعد از ملاحظه وضع سیاسی عصر امام عسکری علیه السلام و قبل و بعد از آن پی می‌برد که یکی از عوامل جهالت حال راویان احادیث ولادت حضرت مهدی علیه السلام همان فشارهای سیاسی بوده که از طریق حاکمان ظلم و جور بر شیعیان وارد شده است، و لذا بسیاری از راویان، خود را با اسامی مستعار معرفی می‌کردند تا شناخته نشوند، خصوصاً با در نظر گرفتن اینکه برخی از راویان از مناطق دور به سامرا می‌آمده و در مورد حضرت سؤال می‌کردند و برای دیگران نقل می‌نمودند.

۱. سلسله الاحادیث الصحیحه، ناصرالدین البانی، ج ۴، ص ۳۵۸.

عوامل مؤثر در حصول یقین به ولادت

از آنجا که اعتبار خبر متواتر به جهت حصول یقین است، در مورد موضوع ولادت امام مهدی علیه السلام عواملی چند در حصول یقین به این موضوع دخالت داشته است:

- ۱ - احادیثی که به دلالت مطابقی بر ولادت امام مهدی علیه السلام و بشارت به آن حضرت دلالت دارد. که مجموع آنها به ۲۱۴ حدیث می‌رسد.^۱
- ۲ - روایاتی که در مورد سال ولادت حضرت رسیده است.^۲
- ۳ - روایاتی که در رابطه با خصوصیات فردی امام زمان علیه السلام وارد شده است.^۳
- ۴ - روایاتی که نص بر امامت آن حضرت دارد.^۴
- ۵ - توقیعاتی که از ناحیه مقدسه صادر شده است که عدد آنها به دهها توقیع می‌رسد، و در جای خود فهرستی از آنها را آورده‌ایم.
- ۶ - تزییقات سیاسی که از ناحیه حکومت بنی‌العباس برای مواجهه و مقابله با حضرت و قتل ایشان گذاشته شده بود.
- ۷ - وجود چهار سفیر در عصر غیبت صغرا و ارتباط مردم با حضرت از طریق آنها.
- ۸ - وکلای ناحیه مقدسه که در کشورها و شهرهای مختلف وجود داشته‌اند.

۱. کمال الدین، ص ۴۰۷ - ۴۰۸ و ۴۲۴ - ۴۲۶ و ۴۳۰ - ۴۳۳ و

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۲۲.

۳. کمال الدین، ص ۴۷۵: الغیبة، طوسی، ص ۲۵۳ و ۲۵۵ و ۲۶۳ و ۲۶۶ و ۲۷۱ و ۲۹۸.

۴. کمال الدین، ص ۴۳۵.

- ۹ - عدّه زیادی که مشرف به لقا و رؤیت حضرت مهدی علیه السلام شده‌اند.
- ۱۰ - معجزاتی که از حضرت مهدی علیه السلام صادر شده و در کتاب‌ها مکتوب است.
- ۱۱ - اعتراف علمای انساب به ولادت فرزند امام عسکری علیه السلام.
- ۱۲ - اجماع و تبنی شیعه بر ولادت و وجود امام مهدی علیه السلام.
- ۱۳ - تصریح مورخان بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام.
- ۱۴ - مدعیان سفارت دروغین از طرف امام زمان علیه السلام.
- ۱۵ - شهادت هر یک از معصومین علیهم السلام بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام.

احادیث صحیح السنند در مورد ولادت

در بین احادیثی که دلالت بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام دارد پی به روایاتی می‌بریم که از سنند صحیح یا حسن یا موثقی برخوردار است. اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- ۱ - کلینی به سنند صحیح اعلائی از محمد بن عبدالله و محمد بن یحیی از عبدالله بن جعفر حمیری نقل می‌کند که فرمود: «اجتمعت أنا والشیخ أبو عمرو علیهما السلام عند أحمد بن إسحاق فغمزنی أحمد بن إسحاق أن أسأله عن الخلف، فقلت له: یا أبا عمرو! إنی أرید أن أسألك عن شیء وما أنا بشاکک فیما أرید أن أسألك عنه، فإن اعتقادی و دینی أن الأرض لا تخلو من حجّة إلا إذا کان قبل یوم القيامة بأربعین يوماً فإذا کان ذلك رفعت الحجّة وأغلق باب التوبة... ولکنی أحببت أن أزداد یقیناً. ثم قال: سل حاجتک؟ فقلت له: أنت رأیت الخلف من بعد أبی محمد علیه السلام فقال: آی والله ورقبته مثل ذاء،

وَأَوْماً بَيِّدَةً...»^۱ «من و شیخ ابو عمرو - عثمان بن سعید عَمْرِي - خدمت احمد ابن اسحاق بودیم. احمد بن اسحاق به من اشاره کرد تا از ابو عمرو درباره جانشین امام عسکری علیه السلام سؤال کنم. به ابو عمرو گفتم: از تو سؤالی می پرسم که درباره آن شک ندارم، زیرا اعتقادم این است که زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی ماند مگر چهل روز قبل از برپایی قیامت، که چون آن روز فرارسد حجت برداشته و راه توبه بسته خواهد شد... ولی من دوست دارم که بر یقینم افزوده شود... سپس گفت خواستهات را سؤال کن، سؤالم این است که: آیا جانشین امام عسکری علیه السلام را دیده‌ای؟ ابو عمرو فرمود: آری به خدا سوگند، گردن او چنین بود، و با دست اشاره کرد...». شیخ صدوق رحمته الله نیز این حدیث را با سند صحیح نقل کرده است.^۲

۲ - و نیز کلینی به سند صحیح از حسین بن علا نقل کرده که گفت: «قلت لأبي عبد الله علیه السلام: تكون الأرض ليس فيها إمام؟ قال: لا.»^۳ «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ممکن است که زمین بدون امام باشد؟ حضرت فرمود: هرگز.»

۳ - و نیز به سندی دیگر که آن هم صحیح است از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ»^۴ «همانا زمین هرگز از وجود امام خالی نمی گردد.»

۴ - و نیز به سند صحیح از حسن بن علی و شاء نقل می کند که از امام رضا علیه السلام سؤال کردم: «هل تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: إنا نروى أنها لا تبقى إلا أن يسخط الله عز وجل على العباد. قال: لا تبقى إذا لساخت»^۵؛

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹ و ۳۳۰، با تلخیص. ۲. کمال الدین، ص ۴۴۱.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱. ۴. همان، ح ۲.

۵. همان، ص ۱۷۹، ح ۱۳.

«آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود: هرگز. عرض کردم: ما چنین روایت می کنیم که زمین از حجت خالی نمی ماند مگر آن که خداوند بر بندگان غلبه کند؟ حضرت فرمود: زمین «بدون حجت» باقی نمی ماند، و در غیر این صورت مضطرب می شود.»

۵ - و نیز به سند صحیح از ابی هاشم جعفری نقل می کند که گفت: «قلت لأبی محمد عليه السلام: جلالتك تمنعني من مسألتك فتأذن لي أن أسألك؟ فقال: سل. قلت: يا سيدي! هل لك ولد؟ فقال: نعم. فقلت: فإن بك حدث فأين أسأل عنه. فقال: بالمدينة»^۱ «به امام عسکری عليه السلام عرض کردم: جلالت شما مرا مانع شده تا مسأله ای را از شما سؤال کنم، آیا اجازه می دهید تا از شما بپرسم؟ حضرت فرمود: سؤال کن. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: آری. عرض کردم: اگر حادثه ای برای شما اتفاق افتاد، کجا از او سؤال کنم؟ فرمود: در مدینه.»

۶ - و نیز به سند صحیح از محمد بن علی بن بلال نقل کرده که فرمود: «خرج إلي من أبي محمد قبل مضيّه بسنتين يخبرني بالخلف من بعده ثم خرج إلي من قبل مضيّه بثلاثة أيام يخبرني بالخلف من بعده»^۲ «دو سال قبل از شهادت امام حسن عسکری عليه السلام نامه ای از حضرت به دستم رسید که در آن خبر از جانشین آن حضرت داده بود. و نیز سه روز قبل از شهادتشان نامه ای دیگر رسید که باز خبر از جانشین بعد از خود دادند.»

۷ - کلینی نیز به سند صحیح از زراره نقل می کند که از امام صادق عليه السلام

۲. همان، ح ۱.

۱. همان، ص ۳۲۸، ح ۲.

شنیدم که فرمود: «إِنَّ لِلْغُلَامِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ. قَالَ قُلْتُ: وَلِمَ؟ قَالَ: يَخَافُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةَ! وَهُوَ الْمُنْتَظَرُ وَهُوَ الَّذِي يَشْكُ فِي وِلَادَتِهِ»؛^۱ «همانا برای آن کودک قبل از قیام غیبتی است. عرض کردم: برای چه؟ فرمود: به جهت خوف، و اشاره به شکم مبارک کرد. آن گاه فرمود: ای زراره! و او همان منتظری است که در ولادت او شک می شود...».

۸ - صدوق به سند تام از داوود بن قاسم جعفری نقل کرده که امام هادی علیه السلام می فرمود: «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ، فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ؟ فَقُلْتُ: وَلِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَا تَرُونَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرَهُ بِاسْمِهِ. فَقُلْتُ: فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ؟ فَقَالَ: قُولُوا الْحِجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام»؛^۲ «جانشین بعد من فرزندان حسن است. پس چگونه است شما را نسبت به جانشین از بعد این جانشین؟ عرض کردم: چگونه، خداوند مرا فدای تو گرداند؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید، و برای شما حلال نیست که نام او را ببرید. عرض کردم: پس چگونه نام او را ببریم؟ فرمود: بگویید: حجت از آل محمد عليه السلام».

خبر از ولادت امام مهدی علیه السلام

برخی می گویند: خبر ولادت حضرت مهدی علیه السلام تنها از حکیمه نقل شده است در حالی که این چنین نیست، بلکه عدّه زیادی از اصحاب امام

۱. همان، ص ۳۲۷، ح ۵.

۲. کمال الدین، ص ۳۸۱، ح ۵؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳.

عسکری علیه السلام و دیگران از ولادت امام زمان علیه السلام خبر داده‌اند، و برخی نیز آن حضرت را در غیبت صفرا یا کبرا دیده‌اند. اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - ابوالفضل حسین بن حسن علوی می‌گوید: «دخلت علی ابي محمد الحسن بن علی علیه السلام بسر من رأی فهنأته بولادة ابنه القائم»؛^۱ «بر امام عسکری علیه السلام در سامرا وارد شدم تا در ولادت صاحب‌الزمان علیه السلام به آن حضرت تهنیت بگویم.»

۲ - احمد بن محمد می‌گوید: «خرج عن ابي محمد علیه السلام حين قتل الزبيری: هذا جزاء من افتري علی الله تبارك وتعالى في اوليائه زعم أنه يقتلني وليس لي عقب، فكيف رأی قدرة الله عزوجل. وولد له وسماه م ح م د سنة ست و خمسين ومأتين»؛^۲ «بعد از کشته شدن زبیری نامه‌ای از امام عسکری علیه السلام به دستم رسید که در آن نوشته شده بود: این جزای کسی است که بر خدا و اولیایش افترا ببندد، و گمان کند که می‌تواند بدون جانشین، مرا بکشد، و قدرت خدا را چگونه دیده است. آن‌گاه می‌گوید: فرزندی برای آن حضرت در سال ۲۵۵ زاییده شد که اسم ایشان را «محمد» گذاشت.»

۳ - ابو هاشم جعفری می‌گوید: «قلت لأبي محمد علیه السلام: جلالتك تمنعني من مسألتك، فتأذن لي أن أسألك. فقال: سل! قلت: يا سيدي! هل لك ولد؟ فقال: نعم...»؛^۳ «به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: «جلالت شما مانع از سؤال کردن من

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۷، ح ۲۴.

۲. همان، ص ۴، ح ۴.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲.

است، آیا اجازه سؤال به من می‌دهید؟ حضرت فرمود: سؤال کن. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شما فرزندی است؟ فرمود: آری...».

۴ - صدوق از نسیم، خادم امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند: «قد دخلت علیه بعد مولده بلیلة فعطست عنده فقال لی: یرحمک الله! قالت نسیم: فرحت بذلك، فقال لی: ألا أبشرك فی العطاس؟! فقلت: بلی یا مولای! فقال: هو أمان من الموت ثلاثة أيام»؛^۱ «بر حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام بعد از گذشت یک شب از ولادتش داخل شدم، نزد او عطسه کردم، حضرت فرمود: یرحمک الله. من از این جمله خوشحال شدم. آن‌گاه فرمود: آیا می‌خواهی تو را در عطسه بشارت دهم؟ عرض کردم: بلی ای مولای من. فرمود: عطسه تا سه روز انسان را از مرگ در امان می‌دارد.»

۵ - شیخ طوسی به سندش از نسیم و ماریه نقل کرده است: «لما خرج صاحب‌الزمان علیه السلام من بطن أمه سقط جاثياً علی رکبته، رافعاً سبابة نحو السماء ثم عطس. فقال: الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله عبداً... زعمت الظلمة أن حجة الله داحضة ولو أذن لنا فی الکلام لزال الشک»؛^۲ «هنگامی که صاحب‌الزمان علیه السلام از شکم مادرش بیرون آمد بر دو زانوی خود قرار گرفت، انگشت سبابه خود را به طرف آسمان اشاره کرد، سپس عطسه‌ای کرد و فرمود: «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله عبداً داخراً غیر مستنکف و لامستکبر». آن‌گاه فرمود: ظالمان گمان کرده‌اند که حجّت خدا زایل خواهد شد، و اگر برای ما اذن در کلام داده شود به طور حتم شک زایل خواهد شد.»

۲. الغيبة، طوسی، ص ۲۴۵.

۱. کمال‌الدین، ص ۴۳۰، ح ۵.

۶ - شیخ طوسی رحمته الله روایتی را از کامل بن ابراهیم مدنی و قصه ملاقات او با امام عسکری علیه السلام نقل کرده که در آن چنین آمده است: «فجاءت الريح فكشفت طرفه فإذا أنا بفتى كأنه فلقة قمر من أبناء أربع سنين أو مثلها، فقال لي: يا كامل بن ابراهيم! فاقشعررت من ذلك وألهمت أن قلت: لبيك يا سيدي! فقال: جئت إلى ولي الله وحبته وبابه تسأله هل يدخل الجنة إلا من عرف معرفتك؟ وقال بمقالتك؟ فقلت: إي والله!»^۱ «... بادی زد و پرده کنار رفت، ناگهان کودکی را به مانند پاره ماه با حدود چهار سال سن یا همین اندازه مشاهده کردم. به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم! بدنم از این خطاب لرزید و الهام شدم که بگویم: لبيك اي آقاي من! حضرت فرمود: تو نزد ولي خدا و حجت و باب او آمده‌اي تا از او سؤال کنی آیا به جز کسی که مثل معرفت تو را داشته و همانند تو می‌گوید داخل بهشت می‌شود؟ عرض کردم: آری...»

۷ - عمرواهوازی می‌گوید: «أرانی أبو محمد علیه السلام ابنه وقال هذا صاحبکم بعدی»^۲ «امام عسکری علیه السلام فرزند خود را به من نشان داد و فرمود: این صاحب شما بعد از من است.»

شیخ حرّ عاملی رحمته الله می‌گوید: «کلینی و دیگران به سندهایشان نقل کرده‌اند که جماعت زیادی امام زمان علیه السلام را بعد از ولادتش ملاقات کردند که از آن جمله عبارتند از: محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، حکیمه دختر محمد بن علی عموی پدرش، ابوعلی بن مطهر، خادم ابراهیم بن عبده، ابو عبدالله

۱. همان، ص ۲۴۷.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۸.

بن صالح، ابراهیم بن ادريس، جعفر بن علی عمویس، عمرو اهوازی، ظریف خادم، فارسی، مدائنی و دیگران»^۱.

۸ - معاویة بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان عمری می گویند: «عرض علينا أبو محمد الحسن بن علی علیه السلام ونحن في منزله وكنّا أربعين رجلاً. فقال: هذا إمامكم من بعدی و خلیفتی علیکم أطيعوه ولا تتفرّقوا من بعدی...»^۲ «امام عسکری علیه السلام در منزل خود فرزندش را بر ما که چهل نفر بودیم عرضه داشت و فرمود: این امام شما بعد از من و جانشین من بر شماست، او را اطاعت کنید و بعد از من متفرّق نشوید...».

خبر رسول خدا صلی الله علیه و آله از ولادت

از ۱۰۷ حدیث شهادت به ولادت آن حضرت از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و آله استفاده می شود.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ أَطْلَاعَهُ فَاخْتَارَنِي مِنْهَا فَجَعَلَنِي نَبِيًّا، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَ مِنْهَا عَلِيًّا فَجَعَلَهُ إِمَامًا، ثُمَّ أَمَرَنِي أَنْ أَتَّخِذَهُ أَخًا وَوَلِيًّا وَوَصِيًّا وَخَلِيفَةً وَوَزِيرًا، فَعَلَى مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِي وَأَبُو سِبْطِي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. أَلَا وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ حُجْبًا عَلَى عِبَادِهِ وَجَعَلَ مِنْ صَلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي وَيَحْفَظُونَ وَصِيَّتِي، التَّاسِعَ

۲. کمال الدین، ص ۴۳۵.

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۲.

منهم قائم اهل بيتی ومهدی امتی، أشبه الناس بی شمائله وأقواله وأفعاله، يظهر بعد غيبة طويلة وحيرة مضلة...»^۱ «خداوند تبارک و تعالی توجّهی بر زمین کرد و مرا انتخاب نمود و من را نبی قرار داد سپس بار دوم توجّهی کرد و علی را از روی زمین انتخاب نمود و او را امام قرار داد و مرا امر نمود که او را برادر و ولی و وصی و خلیفه و وزیر خود قرار دهم، پس علی از من و من از علی ام، او شوهر دختر من و پدر دو نوهام حسن و حسین است. آگاه باشید! که خداوند تبارک و تعالی من و آنان را حجت‌هایی بر بندگانش قرار داده است. و از صلب حسین امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده و وصیت مرا حفظ خواهند نمود. نهمین از آنها قائم اهل بیت من و مهدی امت من است. شبیه‌ترین مردم به من در شمایل و اقوال و افعال است. بعد از غیبت طولانی و حیرت‌گمراه‌کننده ظهور می‌کند...».

خبر حضرت علی علیه السلام از ولادت

اصبغ بن نباته می‌گوید: «أتیت أمير المؤمنين علیه السلام فوجدته متفكراً ينكت في الأرض، فقلت: يا أمير المؤمنين! ما لي أراك متفكراً تنكت في الأرض، أرغبةً منك فيها؟ فقال: لا والله ما رغبتُ فيها ولا في الدنيا يوماً قطّ، ولكني فكّرتُ في مولودٍ يكون من ظهري الحادي عشر من ولدي، وهو المهديّ الذي يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً، تكون له غيبة وحيرة يضلّ فيها أقوام ويهتدي فيها آخرون...»^۲ «خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدم،

۱. کمال‌الدین، ص ۲۵۷.

۲. کافی ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷؛ کمال‌الدین، ص ۲۸۹.

دیدم که در فکر فرو رفته و با چوب دستی بر زمین می‌زند. عرض کردم: ای امیرالمؤمنین! چه شده که شما را متفکر می‌بینم و چوب در زمین فرو می‌برید، آیا در آن رغبتی پیدا کرده‌اید؟ حضرت فرمود: نه به خدا سوگند، من حتی یک روز به زمین و دنیا رغبت ننمودم، ولی در مولودی فکر می‌کردم که از پشت من است، او یازدهمین فرد از اولاد من است. او مهدی‌ای است که زمین را پر از عدل خواهد کرد آن گونه که از جور و ظلم پر شده باشد. از برای او حیرت و غیبتی است که اقوامی در آن گمراه و گروهی نیز در آن هدایت می‌یابند...»

خبر امام حسن علیه السلام از ولادت

در حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت شده که فرمود: «الأئمة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله اثني عشر من صلب أخى الحسين ومنهم مهدى هذه الأمة»؛^۱ «امامان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده نفرند، (نه نفر از آنان) از صلب برادرم حسین است، و از آنان مهدی این امت است.»

خبر امام حسین علیه السلام از ولادت

صدوق رحمته الله به سندش از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «فی التاسع من ولدی سنة من یوسف وسنة من موسى بن عمران وهو قائمنا أهل البيت یصلح الله تبارک وتعالی امره فی لیلۃ واحدة»؛^۲ «در نهمین از فرزندانم سنتی

۱. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۳، ح ۱.

۲. کمال الدین، ص ۳۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

از یوسف و سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است. او قائم ما اهل بیت است. خداوند متعال امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود.»

و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود: «قائم هذه الأمة هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغيبة وهو الذي يقسم میراثه وهو حی»؛^۱ «قائم این امت همان نهمین از فرزندان من است، و اوست صاحب غیبت. و اوست کسی که میراث او در حالی که زنده است تقسیم می شود.»

عبدالرحمن بن سلیط از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ومنا اثنی عشر مهدیاً، أولهم أمير المؤمنين علی بن ابی طالب و آخرهم التاسع من ولدی وهو القائم بالحق، يحيى الله به الأرض بعد موتها...»؛^۲ «از ما دوازده مهدی است که اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخر آنها نهمین از فرزندان من می باشد، و اوست امام قائم به حق که خداوند زمین را به واسطه او بعد از هلاکتش زنده خواهد گردانید...».

خبر امام سجاده علیه السلام از ولادت

فرزند امام زین العابدین علیه السلام از حضرت سؤال کرد: «یا أبة! ولم سمّيته الباقر؟ قال: فتبسم وما رأيته يتبسم قبل ذلك... ثم قال: يا بنی! إن الإمامة في ولده إلى أن يقوم قائمنا علیه السلام فيملأها قسطاً وعدلاً، كما ملئت ظلماً وجوراً وأنه الإمام وأبو الأئمة، معدن الحلم وموضع العلم يبقره بقرأً والله لهو أشبه

الناس برسول الله صلى الله عليه وآله فقلت: فكم الأئمة بعده؟ قال: سبعة ومنهم المهدي الذي يقوم بالدين في آخر الزمان»^۱ «ای پدر! چرا برادرم را باقر نامیدی؟ ایشان تبسمی فرمودند که من پیش از آن چنین ندیده بودم سپس حضرت فرمود: «ای فرزندم! همانا امامت در اولاد او خواهد بود تا قائم ما قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد و اوست امام، پدر امامان، معدن حلم و موضع علم، علم را خواهد شکافت. به خدا سوگند! هر آینه او شبیه ترین مردم به رسول خدا صلى الله عليه وآله است. عرض کردم: امامان بعد از او چند نفرند؟ فرمود: «هفت نفر که از میان آنها مهدی است که در آخر الزمان به دین قیام خواهد کرد.»

خبر امام باقر علیه السلام از ولادت

مسعودی در «اثبات الوصية» به سند خود از علی بن ابی حمزه نقل کرده که فرمود: من با ابوبصیر بودم و با ما نیز یکی از موالیان امام باقر علیه السلام بود. او برای ما نقل کرد که از امام باقر علیه السلام شنیده که فرمود: «منا اثني عشر محدثاً، السابع من ولدي القائم...»^۲ «از ما دوازده محدث است، هفتمین بعد از من قائم است...».

خبر امام صادق علیه السلام از ولادت

صدوق به سندش در حدیث مفصلی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

۱. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۸، ح ۳.
 ۲. اثبات الوصية، ص ۲۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۹۵، ح ۱۱.

«... ستقع بالسادس من ولدى وهو الثانى عشر من الأئمة الهداة بعد رسول الله صلى الله عليه وآله، أولهم أمير المؤمنين على بن أبى طالب وآخرهم القائم بالحق بقية الله فى الأرض وصاحب الزمان...»^۱ «... همانا زود است که ششمین فرزند من غایب شود، و او دوازدهمین نفر از امامان هدایت‌گر بعد از رسول خدا صلى الله عليه وآله است که اول آنها امیرالمؤمنین و آخر آنها قائم بحق بقیه‌الله در روی زمین و صاحب‌الزمان است...».

و نیز به سند خود از امام صادق عليه السلام نقل کرده که فرمود: «من أقرّ بجميع الأئمة وجحد المهديّ كان كمن أقرّ بجميع الأنبياء وجحد محمداً صلى الله عليه وآله نبوته. فقيل له: يا بن رسول الله! فمن المهديّ من ولدك؟ قال: الخامس من ولد السابع يغيب عنكم شخصه ولا يحلّ لكم تسميته»^۲ «هر کس به جمیع ائمه اقرار کند ولی مهدی را انکار کند مثل کسی است که اقرار به جمیع انبیا کرده ولی محمد صلى الله عليه وآله را انکار کرده است. به حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا! چه کسی از فرزندان تو مهدی است؟ فرمود: پنجمین از اولاد هفتم، کسی که از شما غایب می‌شود و نام بردن او بر شما حلال نیست.»

و نیز در حدیثی از ابی بصیر نقل می‌کند که فرمود: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: «ومن القائم منكم أهل البيت؟ فقال: يا أبابصير! هو الخامس من ولد ابني موسى ذلك ابن سيّدة الإمام يغيب غيبة يرتاب فيها المبطلون ثم يظهره

۱. کمال‌الدین، ص ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۷۹، ح ۸

۲. کمال‌الدین، ص ۳۳۳، ح ۱

الله عزوجل فیفتح علی یده مشارق الأرض ومغاربها...»^۱ «ای فرزند رسول خدا! قائم از شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمود: ای ابابصیرا! او پنجمین فرزند از اولاد فرزندان موسی است، او فرزند بهترین زنان است، غیبتی دارد که در آن اهل باطل شک خواهند کرد، آن‌گاه خداوند عزوجل او را ظاهر کرده و به دست او مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را فتح خواهد نمود...»

خبر امام کاظم علیه السلام از ولادت

یونس بن عبدالرحمن می‌گوید: بر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: «یا بن رسول الله! أنت القائم بالحق؟! قال: أنا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله ويملاها عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً، هو الخامس من ولدي، له غيبة يطول أمدها...»^۲ «ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حقیقت؟ حضرت فرمود: من قائم به حقیقت، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می‌کند و آن را از عدل و داد پر می‌نماید آن طوری که از جور پر شده باشد، پنجمین نفر از اولاد من است، برای او غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود...»

و نیز صدوق به سندش از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «إذا فقد الخامس من ولد السابع فالله الله في أديانكم...»^۳ «هرگاه که پنجمین فرزند از فرزندان امام هفتم غایب شد خدا را خدا را در دین هایتان...»

۱. کمال الدین، ص ۳۴۵، ح ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴.

۲. اعلام الوری، ص ۴۳۳. ۳. کمال الدین، ص ۳۵۹، ح ۱.

خبر امام رضا علیه السلام از ولادت

حسین بن خالد در حدیثی می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض شد: «... ومن القائم منكم أهل البيت؟ قال: الرابع من ولدی ابن سیدة الإمام يطهر الله به الأرض من كل جور، ويقدها من كل ظلم، وهو الذي يشك الناس في ولادته وهو صاحب الغيبة قبل خروجه»؛^۱ «قائم از شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمود: «چهارمین از اولادم، فرزند بهترین زنان، خداوند به واسطه او زمین را از هرگونه ظلم و جور پاک و مقدس خواهد کرد. و او کسی است که مردم در ولادتش شک کنند، و او کسی است که قبل از خروجش غیبت خواهد نمود...».

دعبل خزاعی می‌گوید: قصیده‌ای را برای مولایم امام علی بن موسی الرضا علیه السلام انشاد کردم. هنگامی که به این اشعار رسیدم:

خروج إمام لا محالة واقع يقوم على اسم الله والبركات
يميز فينا كل حق وباطل و يجزي على النعماء والنقمة

«خروج امام به طور حتم واقع خواهد شد. او که بر اسم خدا و برکات قیام خواهد کرد. در بین ما هر حق و باطلی را تمییز خواهد داد. و بر نعمت‌ها و مصیبت‌ها جزا خواهد داد.»

«بکی الرضا علیه السلام بكاءً شديداً، ثم رفع رأسه إلى، فقال لي: يا خزاعي! نطق روح القدس على لسانك بهذين البيتين فهل تدري من هذا الإمام ومتى يقوم؟ فقلت: لا يا مولاي إلا أني سمعت بخروج إمام منكم يطهر الأرض من الفساد ويملاها عدلاً. فقال: يا دعبل! الإمام بعدى محمد ابني، وبعد محمد

ابنه علی، وبعد علی ابنه الحسن، وبعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر في غيبته المطاع في ظهوره...»^۱ «امام رضا علیه السلام گریه شدیدی کرد، پس سرش را به سوی من بلند کرد آن گاه فرمود: ای خزاعی! روح القدس بر زبان تو به نطق درآمد، آیا می دانی که این امام کیست؟ و کی قیام می کند؟ عرض کردم: خیر، ای مولای من جز آن که شنیده ام که امامی از شما خروج خواهد کرد و زمین را از فساد پاک خواهد نمود و پر از عدل و داد خواهد نمود. حضرت فرمود: همانا امام بعد از من فرزندان محمد است، و بعد از محمد فرزندش علی، و بعد از علی فرزندش حسن، و بعد از حسن فرزندش حجت قائم است، او کسی است که در غیبتش منتظر و در هنگام ظهورش مطاع خواهد بود...»

خبر امام جواد علیه السلام از ولادت

در حدود ۹۰ حدیث از امام جواد علیه السلام اشاره به ولادت حضرت مهدی علیه السلام شده است.

صدوق به سندش از عبدالعظیم حسنی نقل کرده که فرمود: من بر محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم و می خواستم تا از قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا شخص دیگر؟ حضرت در ابتدا فرمود: «یا ابا القاسم! إن القائم منا هو المهدی الذي يجب أن ينتظر في غيبته ويطاع في ظهوره وهو الثالث من ولدي»^۲ «ای ابا القاسم!

۱. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۷.

۲. کمال الدین، ص ۳۷۷، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱.

همانا قائم از ما مهدی است که واجب است در غیبت او به انتظار نشسته شود و در ظهورش اطاعت شود. و او سومین از اولاد من است.»

صدوق علیه السلام به سندش از صقر بن ابی دلف نقل کرده که از امام جواد علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الإمام بعدی ابنی علی، أمره أمری وقوله قولی وطاعته طاعتی، والإمام بعده ابنه الحسن أمره أمر أبیه وقوله قول أبیه وطاعته طاعة أبیه. ثم سکت فقلت له: یا بن رسول الله! فمن الإمام بعد الحسن؟ فبکی علیه السلام بكاءً شديداً، ثم قال: إن من بعد الحسن ابنه القائم الحق المنتظر...»^۱ «امام بعد از من فرزندانم علی است، امر او امر من و قول او قول من و طاعت او طاعت من است. و امام بعد از او فرزندش حسن است. امر او امر پدرش، و قول او قول پدرش، و طاعت او طاعت پدرش می باشد. آن گاه ساکت شد. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! امام بعد از حسن کیست؟ امام گریه شدیدی کرد، سپس فرمود: همانا بعد از حسن فرزندش قائم به حق منتظر است...»

خبر امام هادی علیه السلام از ولادت

صقر بن ابی دلف می گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الإمام بعدی الحسن وبعد الحسن ابنه القائم الذی یملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً»^۲ «امام بعد از من حسن و بعد از حسن فرزندش قائم است، کسی که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.»

۱. اعلام الوری، ص ۴۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۹، ح ۳.

داوود بن قاسم جعفری می‌گوید: از امام ابوالحسن هادی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «الخلف من بعدی الحسن، فكيف بكم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولم؟ جعلني الله فداك! فقال: إنكم لا ترون شخصه ولا يحل لكم ذكر اسمه...»^۱ «جانشین بعد از من فرزندم حسن است. پس چگونه است شما را به جانشین بعد از او؟ عرض کردم: چطور؟ خداوند مرا فدای تو گرداند! فرمود: زیرا شما شخص او را نمی‌بینید و نام بردن اسم او بر شما حلال نیست...».

خبر امام عسکری علیه السلام از ولادت

در روایات زیادی از امام عسکری علیه السلام به این موضوع اشاره شده است: موسی بن جعفر بن وهب بغدادی می‌گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «كأنّي بكم وقد اختلفتم بعدي في الخلف منّي، أما أنّ المقرّ بالأئمة بعد رسول الله المنكر لولدي كمن أقرّ بجميع أنبياء الله ورسله ثم أنكر نبوة محمد رسول الله صلی الله علیه و آله...»^۲ «گویا شما را می‌بینم که بعد از من در جانشین من اختلاف خواهید نمود. آگاه باشید! همانا کسی که اقرار به امامان بعد از رسول خدا کند ولی منکر فرزندم باشد، همانند کسی است که اقرار به جمیع انبیا و رسولان داشته باشد ولی نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله را انکار کند...».

عثمان بن سعید عمّری می‌گوید: از امام عسکری علیه السلام سؤال شد در حالی که من نزد او بودم دربارهٔ روایتی که از آباء او نقل شده که زمین خالی از حجت خدا بر خلقش تا روز قیامت نخواهد بود. و همانا کسی که بمیرد و امام زمان

۱. کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۰۶. ۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶.

خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است؟ حضرت فرمود: «إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ. فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ! فَمَنْ الْحِجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَكَ؟ فَقَالَ: ابْنِي مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحِجَّةُ بَعْدِي، مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً...»^۱ «این حق است، همان گونه که روز حق است. به حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزندم محمد امام و حجت بعد از من است. هر کس بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است...»

احمد بن اسحاق می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أُرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خُلُقًا وَخُلُقًا...»^۲ «ستایش مخصوص خداوندی است که مرا از دنیا خارج نکرد تا اینکه جانشین بعد از مرا به من نشان داد. او شبیه ترین مردم به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از حیث خلقت و اخلاق است...».

تشخیص هویت حضرت مهدی علیه السلام

برخی می گویند: چرا امامان هویت حضرت مهدی علیه السلام را مشخص نکرده اند؟ در پاسخ آنان می گوئیم:

اولاً: تا آنجا که ممکن بود هر یک از معصومین علیهم السلام از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گرفته تا امام عسکری علیه السلام در صدد تشخیص هویت حضرت مهدی علیه السلام برآمده اند، همان گونه که از روایات ذکر شده استفاده شد.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۷.

۲. کمال الدین، ص ۴۰۸، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱، ح ۹.

ثانیاً: همان گونه که از بسیاری روایات استفاده می‌شود موقعیت حضرت مهدی علیه السلام از جهت سیاسی بسیار خطیر بوده است، زیرا حاکمان ظلم و جور از آنجا که می‌دانستند او با ظلم و بی‌عدالتی در سطح گسترده مقابله می‌کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، لذا از ابتدا درصدد مقابله شدید با او برآمده بودند.

به همین جهت، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیز با احتیاط تمام با نشر قضیه ولادت حضرت برخورد می‌کردند، تا از طرفی زمینه سازی اعتقاد ولادت آن حضرت را بیان کرده باشند و از طرف دیگر کاری نکنند که جان آن حضرت در خطر افتد.

وضعیت سیاسی عصر امام عسکری علیه السلام

امام عسکری علیه السلام در ماه ربیع الاول سال ۲۳۲ هجری متولد شد. او معاصر با حکومت سه نفر از حاکمان بنی عباس؛ یعنی معتز، مهتدی و معتمد بوده است. معتمد عباسی تعصب و کینه خاصی نسبت به اهل بیت علیهم السلام داشت. از جمله کارهای او این بود که بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام دستور داد خانه حضرت را تفتیش کرده، تا از وجود فرزند حضرت آگاه شود، و این به جهت سعایتی بود که جعفر به دستگاه حاکم کرده بود.

داوود بن اسود می‌گوید: امام عسکری علیه السلام عصایی به من داد و فرمود: این را به عمری برسان. در بین راه عصا شکست، ناگهان مشاهده کردم که در میان آن نامه‌ای است. خدمت امام که رسیدم جریان را بازگو کردم. حضرت فرمود:

«... وإذا سمعت لنا شاتماً فامض لسبيلك التي أمرت بها وإياك أن تجاوب من يشتمنا أو تعرفه من أنت، فأنا ببلد سوء ومصر سوء وامض في طريقك فإن أخبارك وأحوالك ترد إلينا فاعلم ذلك»؛^۱ «هرگاه مشاهده کردی که کسی ما را دشنام می دهد تو به دنبال مأموریتی که فرستاده شدی برو، و مبادا در صدد پاسخ او بر آیی یا خودت را به او معرفی کنی، زیرا ما در بد شهری قرار داریم، تو به راه خودت ادامه بده، زیرا اخبار و احوال تو به ما می رسد، این را به خوبی بدان.»

و حتی مشاهده می کنیم که امام به اصحاب خود دستور می دهد تا هیچ کس به او سلام نکند و با دست به او اشاره ننماید؛ زیرا در غیر این صورت جانش در امان نخواهد بود.^۲

حضرت علیه السلام برای ملاقات با شیعیان خود مکانی را معین می کرد و می فرمود: «صيروا إلى موضع كذا وكذا وإلى دار فلان بن فلان. العشاء والعتمة في ليلة كذا، فإنكم تجدوني هناك...»؛^۳ «در فلان مکان و فلان خانه، شب هنگام مراجعه کنید که مرا در آنجا خواهید یافت.»

محمد بن عبدالعزیز بلخی می گوید: صبح هنگامی در خیابان گوسفند فروشان نشسته بودم که ناگهان مشاهده کردم امام عسکری علیه السلام از منزل خود خارج شده و به سوی خانه عمومی می رود. در دلم گفتم: اگر فریاد زنم که این مرد، حجت خداست، بر شما باد که او را بشناسید مرا خواهند کشت؟ هنگامی که حضرت به من نزدیک شد با انگشت سبابه خود بر دهان

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۸۳، ح ۶. ۲. همان، ص ۲۶۹.

۳. همان، ص ۳۰۴.

خود اشاره فرمود که ساکت باش! همان شب حضرت را ملاقات کردم، فرمود: «إِنَّهُ هُوَ الْكُتْمَانُ أَوْ الْقَتْلُ فَاتَّقِ اللَّهَ عَلَى نَفْسِكَ»؛^۱ «یا باید کتمان کنی و یا اینکه به قتل خواهی رسید. بر خودت از خدا بترس.»

به همین جهت است که مرحوم مقدس اردبیلی می‌فرماید: «هرگاه حدیثی از «رجل» نقل شد، مقصود امام حسن عسکری علیه السلام است».^۲

این قضایا وضعیت بس دشوار سیاسی عصر امام عسکری علیه السلام و زمان ولادت امام زمان علیه السلام را می‌رساند. و به همین جهت است که ولادت آن حضرت در اختفای تام صورت پذیرفت.

در این بین امام عسکری علیه السلام دو وظیفه را دنبال می‌کرده است: یکی اینکه حضرت در صدد اثبات ولادت و وجود فرزندش بوده است و دیگر اینکه طوری باید فرزندش را معرفی کند که جان‌ش در خطر نیفتد.

خوف از قتل

برخی می‌گویند: در دولت عباسی از آنجا که اتراک در شؤون خلافت سیطره پیدا کرده بودند و عزل و نصب‌ها به دست آن‌ها افتاده بود، لذا حکومت عباسیان به ضعف و سستی گراییده بود و نمی‌توانستند زمام حکومت را به دست داشته باشند، لذا موقعیت سیاسی که در عصر غیبت امام زمان علیه السلام به وجود آمد توجیه‌گر خوف و تقیه بر آن حضرت نبود تا امام عسکری علیه السلام او را مخفی بدارد.

۲. جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۶۲.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۸۹.

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم:

- ۱- اگر چه دولت عباسی در آن عصر نسبت به اوّل تأسیس آن از قوت آن چنانی برخوردار نبود ولی فی نفسه دولت مقتدری به حساب می‌آمد.
- ۲- از آنجا که کفر همگی یک ملت واحد است، لذا گرچه حکومت عباسی با معارضین داخلی از قبیل اتراک درگیر بودند ولی همگی بر این اتفاق داشتند که باید با اهل بیت علیهم السلام و علوین مقابله و مبارزه نمود.
- ۳- دولت بنی عباس گرچه مشغول مبارزه با معارضین داخلی بوده است ولی همان گونه که قبلاً اشاره شد هرگز از مبارزه با اهل بیت غافل نبودند.

وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام

از آنجا که حاکمان ظلم و جور شنیده بودند که فرزند امام عسکری علیه السلام مهدی موعود، ذخیره الهی برای رفع ظلم و جور از عالم است، لذا درصدد برآمدند تا به هر نحو ممکن او را دستگیر کرده و به قتل برسانند. سه بار طرح ترور و قتل حضرت مهدی علیه السلام ریخته شد ولی در هیچ مرتبه آنان به این عمل شوم موفق نشدند. یک بار توسط معتمد عباسی، چند روز بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، و دو بار دیگر توسط معتضد عباسی که بعد از معتمد حکومت را به دست گرفته بود. و خلفای دیگر بعد از آن که از دستگیری و ترور حضرت مایوس شدند، اقدامی بر ضد او انجام ندادند.

شیخ طوسی رحمته الله یکی از این موارد را در کتاب «الغیبة» از رشیق نقل کرده که می‌گوید: «معتضد عباسی، من و دو نفر دیگر را به جهت دستگیری هر کسی

که در خانه امام عسکری علیه السلام است فرستاد، ما با دیدن معجزه‌های نتوانستیم حضرت را دستگیر کنیم و لذا از تصمیم خود منصرف شدیم...»^۱

اولین مالک نرجس خاتون

در این موضوع سه نظریه و فرضیه وجود دارد:

فرضیه اول: اینکه حضرت نرجس خاتون در ملک امام هادی علیه السلام داخل شد و سپس آن حضرت او را به تزویج فرزندش امام عسکری علیه السلام درآورد که در روایتی به آن اشاره شده است.^۲

فرضیه دوم: آن است که مالک او از خانواده امام، حکیمه دختر امام هادی علیه السلام بوده است، که از ظاهر برخی روایات دیگر استفاده می‌شود.^۳ زیرا حضرت هادی علیه السلام به خواهرش فرمود: «نرجس را به سوی فرزندم بفرست...». فرضیه سوم: آن است که بین این دو قول جمع شود به اینکه در ابتدا امام هادی علیه السلام کسی را فرستاده تا برای او بخرد، و بعد از خرید به خواهرش بخشیده است. و این احتمال به جهت جمع بین روایات ترجیح دارد.

بررسی یک روایت

احمد کاتب می‌گوید: «برخی از مورخین نقل کرده‌اند که بعضی از شیعیان قائل به توقف و انقطاع امامت شدند، آن گونه که بین رسل توقف بود. و از

۱. الغیبة، طوسی، ص ۲۴۸، با تلخیص.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱.

۳. کمال الدین، ص ۴۲۶ و ۴۲۷.

برخی روایات نیز استفاده می‌شود که ممکن است در صورتی که مردم مورد غضب الهی واقع شوند، امامت و امام مرتفع شده و منقطع گردد...».

در پاسخ او می‌گوییم:

۱ - همان گونه که از کتب تواریخ و ملل و نحل استفاده می‌شود اکثر جامعه شیعی در آن زمان، معتقد به ولادت امام زمان علیه السلام بودند.

۲ - آن گونه که شیخ مفید رحمته الله و دیگران اشاره کرده‌اند، گرچه بعد از وفات امام عسکری علیه السلام شیعیان در ابتدا به چهارده فرقه متفرق شدند ولی بعد از مدتی کوتاه با ارشادات علما و اصحاب، همگی بر اعتقاد به ولادت و وجود امام خود اتفاق نمودند.^۱

۳ - در مورد روایتی که ادعا کرده دلالت بر تحقق فترت و انقطاع امامت دارد، با دقت در آن، خلاف آنچه ادعا شده استفاده می‌شود، زیرا در آن روایت از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمود: «إذا غضب الله تبارك وتعالى على خلقه نحانا عن جوارهم»؛^۲ «هرگاه خداوند تبارک و تعالی بر خلقش غضب کند ما را از جوارشان دور خواهد گرداند.» این حدیث به خوبی دلالت بر وجود و غیبت امام زمان علیه السلام دارد.

۴ - اگر مجرد اختلاف، دلیل بر بطلان است، باید اختلاف در هر امری از جمله اصل امامت و خلافت و نبوت را نیز دلیل بر بطلان آن دانست، در حالی که هیچ کس چنین ادعایی نکرده است. آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر نداده که امتش بعد از او به ۷۳ فرقه متفرق خواهند شد؟!

۱. ر.ک: الفصول المختاره، ص ۳۲۵. ۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۱.

ولادت حضرت مهدی عج قبل از ظهور

گاهی سؤال می‌شود اگر خداوند متعال اراده کرده که در پایان تاریخ بشر جهان را پر از عدل و داد کند، و این کار احتیاج به رهبری الهی دارد، چه ضرورتی است که او را قبل از تشکیل حکومت عدل جهانی خلق کند؟ چرا او را در همان زمان که احتیاج به اوست خلق نمی‌کند؟

در پاسخ این سؤال می‌گوییم:

۱ - از ادله عقلی و نقلی استفاده می‌شود که زمان، هیچ گاه نباید از حجت و ولی خدا خالی باشد، هم از جهت فیض تشریح و هم تکوین. این مطلب در جای خود به اثبات خواهد رسید.

۲ - علم جدید این مطلب را بدون استثنا به اثبات رسانده که عالم بر اساس حرکت تدریجی پایه‌گذاری شده است. هر چیزی حرکت تدریجی خود را دارد، بدون آن که این مطلب با قدرت خداوند تنافی داشته باشد. لذا خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را در مدت شش روز آفرید نه در یک لحظه.

آیا خداوند عاجز بود که در یک لحظه آن‌ها را بیافریند؟ هرگز. چرا باید نطفه انسان نه ماه در شکم مادر بماند و شرایط طبیعی خود را طی کند تا تبدیل به انسانی مستوی الخلقه گردد؟ آیا خداوند عاجز است که انسان را در یک لحظه ایجاد نماید؟ در مورد تشکیل حکومت عدل جهانی نیز همین حکم جاری است، خداوند امور آن زمان را از پیش تدارک می‌بیند.

۳ - با فلسفه انتظار بیشتر هماهنگ است یعنی انتظار کسی که وجود دارد ولی غایب است بیشتر مؤثر است تا کسی که هنوز خلق نشده و در آینده پا به هستی وجود می‌گذارد.

اختلاف در ولادت

احمد کاتب در صدد آن است که از اختلافی که در مسأله ولادت حضرت مهدی علیه السلام پدید آمد بهره‌برداری کرده و از آن برای سست جلوه دادن مسأله ولادت حضرت استفاده نماید.

در پاسخ او می‌گوییم:

اولاً: اختلاف در موضوع و قضیه‌ای هرگز مستلزم نبود آن موضوع نیست، بلکه بر وجود آن دلالت دارد، وگرنه هیچ قضیه‌ای را نمی‌توان به اثبات رسانید؛ زیرا در هر قضیه و موضوعی از جهات مختلف اختلاف شده است.

آیا امت اسلامی بعد از پیامبر مطابق احادیث، به ۷۳ فرقه تقسیم نشدند؟ آیا این افتراق و تفرق باعث می‌شود که اصل اسلام زیر سؤال رفته و در گزاره‌های دینی شک نماییم؟

ثانیاً: همان گونه که از وضعیت سیاسی آن زمان و مخفی بودن امر ولادت به جهت آن وضعیت استفاده می‌شود، اختلاف امری طبیعی به نظر می‌رسد.

ثالثاً: مطابق نقل شیخ مفید رحمته الله جامعه شیعی بعد از مدتی نه چندان دور به وحدت نظر در امر ولادت حضرت مهدی علیه السلام رسیدند. او می‌گوید: «از این فرقه‌ها که ذکر شد در این زمان که سال ۳۷۳ است به جز فرقه دوازده امامی که قائل به امامت فرزند امام حسن علیه السلام است، وجود ندارد...»^۱

جالب توجه اینکه، انکار برخی بر ولادت امام مهدی علیه السلام از دید اهل بیت علیهم السلام مخفی نمانده و لذا در روایاتی به آن اشاره کرده‌اند. شیخ صدوق رحمته الله به

۱. الفصول المختاره، ص ۳۲۱: بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۳.

سند صحیح از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «صاحب هذا الأمر من يقول الناس لم يوجد بعد»؛^۱ «صاحب این امر کسی است که [بعضی از] مردم می‌گویند: هنوز متولد نشده است.»

عصر حیرت

احمد کاتب می‌گوید: «بعد از وفات امام عسکری علیه السلام حیرت و شک و تردید در جامعه شیعه در امر امامت بعد از آن حضرت و ولادت فرزند او پدید آمد». او در صدد آن است که از این موضوع بهره‌برداری کرده و اثبات کند که موضوع ولادت حضرت اجماعی نبوده است.

در پاسخ او می‌گوییم:

اولاً: مسأله حیرت و تردید در بین عوام مردم همان گونه که تشریح شد امری طبیعی به نظر می‌رسید، زیرا جو خاص سیاسی و احتمال قتل حضرت اقتضا داشت که امر ولادت حضرت مستور باشد، و تنها عده‌ای خاص از اصحاب امام عسکری علیه السلام از آن مطلع گردند، و توسط آن‌ها این موضوع منتشر شود.

ثانیاً: وجود حیرت و غموض در امر ولادت حضرت، دلیل بر وجود اوست نه عدم آن. یعنی ولادتی بوده ولی از آنجا که مخفی واقع شد، عده‌ای را در حیرت فرو برد.

ثالثاً: همان گونه که مکرراً اشاره شد، گرچه در ابتدای غیبت برخی از عوام

۱. کمال‌الدین ص ۳۶۰، بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۵۹ ح ۳.

مردم در حیرت به سر می‌بردند، ولی بعد از مدتی نه چندان دور به واسطه کوشش فراوانی که بزرگان امامیه در روشن ساختن عموم مردم در امر ولادت و امامت حضرت مهدی علیه السلام داشتند، تمام جامعه شیعی از حیرت خارج شده و همگی به امامت آن حضرت معتقد شدند.

کوشش برای رفع حیرت

شکی نیست که بعد از غیبت امام مهدی علیه السلام حیرت و شک جامعه شیعی را در سطح عوام مردم فرا گرفت، زیرا آنان امام خود را نمی‌دیدند، ولی با فداکاری و تبلیغ علما و اصحاب، این حیرت برداشته شد. از جمله کارهایی که در این مدت انجام گرفت تألیف کتاب‌هایی متناسب با وضع موجود در جهت رفع حیرت بود، که از آن جمله می‌توان به این کتاب‌ها اشاره نمود:

۱ - کتاب «الغیبة» از محمد بن ابراهیم نعمانی که بین سال ۳۳۳ تا ۳۴۲ هجری تألیف یافته است.

۲ - کتاب «الامامة و التبصرة من الحيرة» از علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ هـ).

۳ - کتاب «اکمال الدین و اتمام النعمة» از محمد بن علی بن بابویه (م ۳۸۶ هـ).

۴ - کتاب «الغیبة» از شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ).

و دیگر کتاب‌ها.

علی بن بابویه در مورد کتاب خود می‌گوید: «... من در این کتاب اخباری را جمع نمودم که می‌تواند حیرت را برطرف سازد...»^۱

کوشش در عصرهای مختلف

بزرگان جامعه شیعه به پیروی از پیشینیان در راستای اهداف آنان که همان تثبیت ایمان مردم به ولادت و وجود امام زمان علیه السلام بود قدم گذاشته و دست به تألیفات گوناگون در این زمینه زدند که از آن جمله می‌توان به این تألیفات اشاره نمود:

- ۱ - ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی: «کتاب الغیبة».^۱
- ۲ - ابو اسحاق ابراهیم بن الأنماطی کوفی اسدی: «کتاب الغیبة».^۲
- ۳ - احمد بن حسین عبدالله مهرانى أبی: «ترتیب الأدلة فیما یلزم خصوم الامامیة دفعه عن الغیبة و الغائب».^۳
- ۴ - ابوالعباس احمد بن علی رازی: «الشفاء و الجلاء عن الغیبة».^۴
- ۵ - ابوالحسن احمد بن محمد بن عمران بن موسی معروف به ابن الجندی: «الغیبة».^۵
- ۶ - اشرف بن اعز معروف به تالچ العلی علوی حسینی: «الغیبة».^۶
- ۷ - ابو محمد حسن بن حمزه معروف به طبری: «الغیبة».^۷
- ۸ - ابو محمد حسن بن محمد بن یحیی معروف به ابن اخی طاهر: «کتاب الغیبة و ذکر القائم».^۸

۱. رجال نجاشی، ص ۱۹، رقم ۲۱.
 ۲. همان، ص ۱۵، رقم ۱۳.
 ۳. معالم العلماء، ص ۶۰، رقم ۱۱۳.
 ۴. رجال نجاشی، ص ۹۷، رقم ۲۴۰.
 ۵. همان، ص ۸۵، رقم ۲۰۶.
 ۶. الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۵، رقم ۳۷۵.
 ۷. رجال نجاشی، ص ۶۴، رقم ۱۵۰.
 ۸. همان، رقم ۱۴۹.

- ۹ - ابوالحسن حنظلة بن زكريا تميمي قزوینی: «كتاب الغيبة».^۱
- ۱۰ - ابوالحسن سلامة بن محمد بن اسماعيل: «كتاب الغيبة وكشف الحيرة».^۲
- ۱۱ - ابوالفضل عباس بن هشام ناشري اسدي: «كتاب الغيبة».^۳
- ۱۲ - ابوالعباس عبدالله بن جعفر بن حسين حميري قمی: «كتاب الغيبة والتوقيعات».^۴
- ۱۳ - ابو محمد عبدالوهاب مادرائی: «كتاب الغيبة».^۵
- ۱۴ - شيخ مفيد محمد بن محمد بن نعمان: او در زمينه امام زمان عليه السلام و موضوعات مربوط به آن حضرت تألیفات متعددی دارد از قبیل: «كتاب الغيبة»، «المسائل العشرة في الغيبة»، «مختصر في الغيبة»، «النقض على الطلحي في الغيبة»، «جواب الفارقيين في الغيبة».
- و نیز در برخی از کتب خود به طور ضمنی بحث فراوانی از مهدویت نموده است از قبیل: «الايضاح في الامامة والغيبة»، «الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد»، «العيون والمحاسن»، «الجوابات في خروج الامام المهدي عليه السلام».
- ۱۵ - ابوالقاسم علي بن حسين معروف به شريف مرتضى: «المقنع في الغيبة».^۶
- ۱۶ - علي بن محمد بن علي بن عمر بن رياح: «كتاب الغيبة».^۷

۱. همان، ص ۱۴۷، رقم ۳۸۰.
 ۲. همان، ص ۱۹۲، رقم ۵۱۴.
 ۳. همان، ص ۳۸۰، رقم ۷۴۱.
 ۴. همان، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳.
 ۵. همان، ص ۲۴۷، رقم ۶۵۲.
 ۶. همان، ص ۲۷۰ و ۲۷۱، رقم ۷۰۸.
 ۷. همان، ص ۲۵۹ و ۲۶۰، رقم ۶۷۹.

- ۱۷ - ابو عبدالله کاتب محمد بن ابراهیم بن جعفر: «کتاب الغیبة».^۱
- ۱۸ - ابوعلی کاتب اسکافی محمد بن احمد بن جنید: «ازالة الران عن قلوب الاخوان في الغيبة».^۲
- ۱۹ - ابو عبدالله محمد بن احمد صفوانی: «کتاب الغیبة وکشف الحيرة».^۳
- ۲۰ - محمد بن زید بن علی فارسی: «کتاب الغیبة».^۴
- ۲۱ - ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراچی: «البرهان علی طول عمر صاحب الزمان» و «الاستطراف في ذکر ما ورد في الغیبة فی الإنصاف».^۵
- ۲۲ - ابوبکر محمد بن قاسم بغدادی: «کتاب الغیبة».^۶
- ۲۳ - ابوالنضر محمد بن منصور عیاشی: «کتاب الغیبة».^۷
- ۲۴ - ابوالفرج مظفر بن علی بن حسین همدانی: «کتاب الغیبة».^۸
- این ها اسامی کتاب های بود که تا آخر قرن سوم هجری درباره رفع حیرت به طور مستقل نوشته شده است.

علت اختلاف در امر ولادت

احمد کاتب می گوید: «اگر مهدویت حضرت مهدی علیه السلام واضح بوده، چرا قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام گروهی قائل به مهدویت امام علی علیه السلام یا فرزندش

۱. همان، ص ۳۸۳، رقم ۱۰۴۳.
۲. همان، ص ۳۸۵، رقم ۱۰۴۷.
۳. همان، ص ۳۹۳، رقم ۱۰۵۰.
۴. فهرست طوسی، ص ۱۵۹، رقم ۶۹۹.
۵. الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۹ و ۸۰.
۶. الذریعة، ج ۳، ص ۹۲، رقم ۲۹۲؛ رجال نجاشی، ص ۳۸۱، رقم ۱۰۳۵.
۷. رجال نجاشی، ص ۳۵۰ - ۳۵۳، رقم ۹۴۴.
۸. الذریعة، ج ۱۶، ص ۸۲، رقم ۴۰۶.

محمد بن حنفیه و نفس زکیّه و امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام و حتی امام عسکری علیه السلام شدند؟»

در پاسخ او می‌گوییم:

۱ - اگر چه در برخی از احادیثی که از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او درباره خروج مهدی علیه السلام وارد شده، تصریح شده که او قطعاً فرزند امام عسکری علیه السلام امام یازدهم است، ولی برخی هنگامی که ظلم و تجاوز را زیاد می‌دیدند و از طرفی همه اهل بیت را هدایت شده و هادی می‌دانستند، گاهی به امید اینکه یکی از اهل بیت، مهدی امت است به سراغ او می‌آمدند و ادّعی مهدویت در حق او می‌کردند و جماعتی را نیز به دنبال خود می‌کشیدند. این افراد غالباً از انسان‌های ساده اندیش و جاهل بودند، و در برخی از موارد مسأله سیاسی نیز در این ادّعا دخالت داشته است.

۲ - کسانی که چنین ادّعایی داشته‌اند هرگز دوام نیاورده و بعد از مدت کوتاهی به جرگه عموم شیعیان پیوسته و یا منقرض شده‌اند.

۳ - میزان در عقیده یک مذهب، نظر غالب افراد و علمای آن مذهب است. و می‌دانیم که عقیده به مهدویت حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام عقیده قریب به اتفاق شیعیان به حساب می‌آید.

۴ - در برخی از موارد که گروهی قائل به مهدویت غیر از حضرت مهدی علیه السلام شدند به جهت شبهه‌ای بوده که برای آن‌ها پدید آمده است؛ زیرا موقعیت آن عصر چنین حیرت و تردیدی را اقتضا داشته است، گرچه این حیرت نیز بعد از مدت کوتاهی برطرف گشت.

علت وصیت به مادر

شیخ مفید رحمته الله می‌گوید: برخی موضوع وصیت امام عسکری علیه السلام به مادرش در امر وقوف و صدقات را دلیل بر انکار ولادت حضرت مهدی علیه السلام گرفته‌اند در حالی که هرگز چنین دلالتی ندارد؛ زیرا این کار به جهت اخفای ولادت و مستور نمودن امر حضرت از دستگاه حاکم بوده است. اگر در وصیت نامه حضرت، نام مهدی ذکر می‌شد و صدقات و موقوفات به او نسبت داده می‌شد به طور حتم با غرض حضرت از محافظت فرزندش منافات داشت. خصوصاً آن‌که وصیت، احتیاج به شهادت شهودی از خواص دولت بنی عباس بود تا بر اصل وصیت گواهی داده و بر آن امضا کنند. مگر در عصر امام صادق علیه السلام نبود که آن حضرت به جهت حفظ فرزندش موسی بن جعفر علیه السلام از تعرض دستگاه حکومت، تصریح به امامت و وصایت او در ملاء عام و در وصیت نامه‌اش نکرد، بلکه به پنج نفر وصیت نمود که اول آن‌ها منصور عباسی و بعد ربیع و قاضی وقت و کنیزش حمیده بربریه، و در آخر نام فرزندش موسی بن جعفر را ذکر کرد، تا از این طریق بتواند جان فرزندش را حفظ کند، گرچه امر امامت او را برای خواص از اصحاب و اولیای خود روشن ساخته بود تا با مرور زمان بر دیگران واضح سازند...»^۱

نص بر امام زمان علیه السلام

برای اثبات امامت امام زمان علیه السلام از راه‌های مختلف می‌توان وارد شد و به

نتیجه قطعی و مطلوب در این مسأله رسید. این بحث در رابطه با امامت همه امامان مطرح است.

۱ - همان‌گونه که اشاره شد از طریق امام عسکری علیه السلام نصوص متعددی صحیح‌السند در امر امامت فرزندش رسیده است.

۲ - اگر چه در باب اصل امامت و اینکه زمین هرگز از حجت خالی نیست احتیاج به ادله قطعی و یقینی است ولی در بحث اینکه امام بعدی کیست از آن جهت که موضوع خارجی است خبر واحد صحیح‌السند کافی است.

۳ - همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد نصوص فراوان و در حدّ تواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و هر یک از امامان علیهم السلام در این رابطه وارد شده است.

۴ - همان‌گونه که یکی از راه‌های اثبات نبوت، بلکه عمده‌ترین راه آن، اعجاز است در مورد اثبات امامت نیز از این راه می‌توانیم امامت هر یک از امامان را به اثبات برسانیم، زیرا نصّ خاص از جانب امام قبل بر امام بعد، موضوعیت ندارد بلکه نصّ، راهی برای اثبات امامت امام بعد است.

۵ - بر فرض اینکه نصوص وارده دربارهٔ برخی از ائمه خبر واحد باشند ولی با قراین خارجی، که این‌گونه روایات به همراه دارند ما را به قطع و اطمینان به مفاد آنها می‌رسانند، همانند اقبال شیعه و اجماع اصحاب امامیه بر امامت شخص خاص، با در نظر گرفتن این نکته که وضعیت خاص سیاسی و فشارهای شدیدی که از ناحیهٔ حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس بر شیعیان و پیروان اهل بیت و تابعان آنها وارد می‌شد، چنین وضعی را اقتضا داشته است.

۶- با بررسی تمام جوانب موضوع، اعم از روایاتی که از امام عسکری علیه السلام در باب امامت فرزندش امام مهدی علیه السلام رسیده و نیز روایاتی که از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله و هر یک از امامان وارد شده و نیز معجزاتی که از حضرت مهدی علیه السلام صادر شده و قراین خارجی دیگر، پی خواهیم برد که مسأله امامت حضرت مهدی علیه السلام از راه تواتر قابل اثبات است.

اتفاق امامیه بر ولادت

اصحاب و عموم طایفه شیعه امامیه بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام در طول قرن‌ها بر ولادت امام زمان علیه السلام اتفاق داشته‌اند، اگر چه در ابتدا حیرت و شکی در ولادت و امامت آن حضرت در بین گروهی از شیعیان پدید آمد، ولی بعد از گذشت زمان نه چندان طولانی و به عنایت و تبلیغ بزرگان امامیه، همگی به راه مستقیم هدایت شده و به امامت امام عصر علیه السلام اعتقاد پیدا نمودند، همان گونه که شیخ مفید در کتاب «الفصول المختاره» به آن اشاره کرده است.

او می‌گوید: «از این فرقه‌هایی که ذکر شد هیچ فرقه‌ای در زمان ما که سال ۳۷۳ هجری است باقی نمانده است جز شیعه دوازده امامی که قائل به امامت فرزند امام حسن همان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و همگی بر زنده بودن ایشان قطع داشته و معتقد به بقای آن حضرت تا زمانی که قیام به شمشیر کند، هستند...»^۱

۱. الفصول المختاره، ص ۳۲۱.

اتفاق مورخان شیعه بر ولادت

مورخان شیعه در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی علیه السلام به طور اتفاق آن را در سال ۲۵۵ هجری دانسته‌اند. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱ - کلینی رحمته الله.^۱
- ۲ - شیخ مفید رحمته الله.^۲
- ۳ - اربلی رحمته الله.^۳
- ۴ - شیخ طوسی رحمته الله.^۴
- ۵ - کفعمی رحمته الله.^۵
- ۶ - طبرسی رحمته الله.^۶
- ۷ - علامه مجلسی رحمته الله.^۷
- ۸ - شیخ بهایی رحمته الله.^۸

حکم منکر ولادت

از آنجا که ولادت و وجود حضرت مهدی علیه السلام مبنای شیعه در طول تاریخ بوده و به تعبیری ضرورت مذهب به حساب می‌آمده است و لذا اجماع شیعه از عوام و خواص بر آن بوده است، بدین جهت کسی که منکر ولادت و وجود امام مهدی علیه السلام است، از تشیع و جامعه شیعی خارجی می‌شود، گرچه برای خود

-
- | | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| ۱. کافی، ج ۱، ص ۵۱۴. | ۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹ و ۳۴۰. |
| ۳. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۴۵. | ۴. مصباح المتعجد، ص ۸۴۲. |
| ۵. البلد الامین، ص ۱۸۷. | ۶. اعلام الوری، ص ۴۱۸. |
| ۷. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲. | ۸. توضیح المقاصد، ص ۲۰ و ۲۱. |

ادلای و همی ذکر کند، زیرا امر ضروری، خود بهترین دلیل بر اثبات آن است. بلکه بالاتر از این، مطابق رأی متقدمین و متأخرین از علمای امامیه که امامت را از اصول دین می دانند، کسی که منکر امامت و وجود امام معصوم در برهه‌ای از زمان باشد از دین خارج است، گرچه در ظاهر حکم به اسلام او می شود، همان گونه که چنین حکمی درباره اهل سنت صادق است.

ملاقات با امام زمان

هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام و بعد از آن عده‌ای حضرت را ملاقات نموده‌اند:

اسامی پنج نفر را در این مورد می توان نام برد:

الف: ملاقات هنگام ولادت

۱ - حکیمه دختر امام جواد علیه السلام.^۱

۲ - زن قابله.^۲

۳ و ۴ - نسیم و ماریه.^۳

۵ - کنیز امام عسکری علیه السلام.^۴

ب: ملاقات در زمان حیات امام عسکری علیه السلام در مورد این مورد می توان به

اسامی عده‌ای اشاره کرد:

۲. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۰ - ۲۴۲.

۴. همان، ص ۴۳۱.

۱. کمال الدین، ص ۴۲۴.

۳. کمال الدین، ص ۴۳۰.

- ۱ - محمد بن عثمان غمری با چهل نفر.^۱
- ۲ - ابوهارون.^۲
- ۳ - یعقوب بن منقوش.^۳
- ۴ - عمرو اهوازی.^۴
- ۵ - حکیمه دختر امام جواد علیه السلام.^۵
- ۶ - محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر.^۶
- ۷ - ابو نصر ظریف خادم.^۷
- ۸ - ابوعلی بن مطهر.^۸
- ۹ - عقید خادم و اسماعیل بن علی نوبختی.^۹
- ۱۰ - نسیم، خادم امام عسکری علیه السلام.^{۱۰}
- ۱۱ - اصحاب امام عسکری علیه السلام.^{۱۱}
- ۱۲ - مردی از فارس.^{۱۲}
- ۱۳ - ابو عمرو.^{۱۳}

۱. کمال الدین، ص ۴۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۹.
۲. همان، ص ۴۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۸.
۳. همان، ص ۴۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۷.
۴. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۳؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۲.
۵. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱.
۶. همان.
۷. همان، ص ۳۵۴.
۸. همان، ص ۳۵۲.
۹. الغیبة، طوسی، ص ۲۷۱ - ۲۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۶.
۱۰. کمال الدین، ص ۴۴۱.
۱۱. کمال الدین، ص ۴۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵.
۱۲. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۶.
۱۳. همان، ح ۱.

۱۴ - ابراهیم بن عبده نیشابوری و خادمش.^۱

۱۵ - رشیق صاحب مادرای.^۲

۱۶ - کامل بن ابراهیم مدنی.^۳

۱۷ - احمد بن اسحاق قمی.^۴

ج: ملاقات در عصر غیبت صغری

جماعت بسیاری در عصر غیبت صغرا به ملاقات حضرت شرفیاب شده‌اند

که به اسامی برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - محمد بن عثمان عمّری.^۵

۲ - طریف و ابونصر.^۶

۳ - ازدی.^۷

۴ - ابراهیم بن ادريس.^۸

۵ - ابی عبدالله بن صالح.^۹

۶ - ابراهیم بن مهزیار.^{۱۰}

۷ - محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر.^{۱۱}

و دیگران.

۱. همان، ص ۳۳۱، ح ۶.

۲. الغیبة، طوسی، ص ۲۴۸ - ۲۵۰: بحار الأنوار، ج ۵۲، ح ۳۶.

۳. الغیبة، طوسی، ص ۲۴۶.

۴. کمال الدین، ص ۳۸۴: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳.

۵. کمال الدین، ص ۴۴۰. ۶. همان، ص ۴۴۱.

۷. همان، ص ۴۴۴. ۸. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۲۴.

۹. همان، ص ۲۲۹. ۱۰. همان، ص ۳۳۵.

۱۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱.

مرحوم مجلسی در روایتی اسامی ۲۶۵ نفر از کسانی که در عصر غیبت صفرا به ملاقات حضرت شرفیاب شده‌اند را نام برده است.^۱

اعتراف علمای انساب به ولادت

گروهی از علمای انساب معترفند که برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به نام محمد و با القاب: حجت و مهدی و... متولد شده است. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - نسابه سهل بن عبدالله بن داوود بن سلیمان بخاری، که معاصر عصر غیبت صفرا می‌زیسته است.^۲

۲ - سید عمری، نسابه مشهور در قرن پنجم هجری.^۳

۳ - فخر رازی شافعی، نسابه قرن پنجم.^۴

۴ - نسابه قرن ششم مروزی ازورقانی.^۵

۵ - نسابه جمال‌الدین احمد معروف به ابن عنبه.^۶

۶ - نسابه ابوالحسن محمد حسینی یمانی صنعانی زیدی، نسابه قرن

یازدهم.^۷

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱ - ۷۷. ۲. سر السلسلة العلوية، ص ۳۹ و ۴۰.

۳. المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۳۰.

۴. الشجرة المباركة فی انساب الطالبية، ص ۷۸ و ۷۹.

۵. الفخری فی انساب الطالبین، ص ۸.

۶. عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۱۹۹.

۷. روضة الألباب لمعرفة الأنساب، ص ۱۰۵.

- ۷ - محمد امین سویدی.^۱
- ۸ - محمد ویس حیدری سوری.^۲
- ۹ - علامه نسابه سید محمد بن حسین بن عبدالله حسینی سمرقندی مدنی.^۳
- ۱۰ - شریف انس کتبی حسنی در تعلیقه بر کتاب «تحفة المطالب».^۴
- ۱۱ - علامه نسابه سید محمد بن احمد بن حمید الدین نجفی.^۵
- ۱۲ - علامه نسابه شریف انس کتبی حسنی.^۶

عدم اعتنا به انکار جعفر

جعفر عموی امام زمان علیه السلام اگرچه منکر ولادت حضرت مهدی علیه السلام شده است ولی از جهاتی نمی‌توان به انکار او توجه نمود:

- ۱ - با ادله متقن ولادت حضرت مهدی علیه السلام به اثبات رسیده است.
- ۲ - اتفاق امت بر آن است که جعفر معصوم نبوده است، بلکه از جمله مردم عادی بوده که در او احتمال گمراهی و یا سهو و اشتباه رواست. همان گونه که برخی از فرزندان یعقوب به گمراهی کشیده شدند.
- ۳ - از برخی اخبار استفاده می‌شود که جعفر به سبب انحراف و گمراهی که داشت، ادعای دروغین عدم ولادت فرزند برای امام عسکری علیه السلام نمود.

۱. سبائک الذهب، ص ۷۸.

۲. الدرر البهیة فی الانساب الحیدریة والاویسیة، ص ۷۳.

۳. تحفة المطالب بمعرفة من ینتسب الی عبدالله وابی طالب، ص ۵۴ و ۵۵، چاپ ریاض.

۴. همان، ص ۵۵. ۵. بحر الانساب، ص ۳۹، چاپ ریاض.

۶. الاصول فی ذریة البضعة البتول، ص ۹۷ - ۱۰۰.

۴ - نهایت چیزی را که از روی احتیاط می‌توان گفت اینکه: از آنجا که او کشش و قابلیت و تحمل خبر ولادت حضرت مهدی علیه السلام را نداشته، امام عسکری علیه السلام فرزندش را به او نشان نداده است. و لذا از آن بی اطلاع بوده است.

ادّعی دروغین

در توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شد حضرت اشاره به جعفر کرده، می‌فرمایند: «... وقد ادّعی هذا المبطل المفتري على الله الكذب بما ادّعا، فلا أدري بأية حالة هي له رجاء أن يتم دعواه، أبفقه في دين الله؟ فوالله ما يعرف حلالا من حرام ولا يفرق بين خطاء و صواب...»^۱ «... به طور حتم این شخص مبطل و تهمت زننده به خدا است و در آنچه می‌گوید ادّعی دروغ و کذب نموده است، نمی‌داند که به کدامین حالت امید دارد که ادّعی خود را تمام نماید؟ آیا به فهم در دین خدا؟ به خدا سوگند که او حلال را از حرام نمی‌شناسد و اشتباه و صحیح را تشخیص نمی‌دهد...».

از این توقیع استفاده می‌شود اول کسی که به جعفر لقب دروغگو داد خود حضرت بوده است و بعد از آن این عنوان بر او شهرت یافت. برخی نیز وجه توصیف او را به دروغگو به جهت تمییز بین او و امام جعفر صادق علیه السلام می‌دانند.

کارهای ناشایست جعفر

جعفر فرزند امام هادی علیه السلام پس از رحلت برادرش امام عسکری علیه السلام به یک

۱. الغيبة، طوسی، ص ۲۸۸ - ۲۹۰: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۵، ح ۲۱.

سری اقداماتی روی آورد که در شأن او نبوده است. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱ - قصد نماز خواندن بر پیکر مطهر برادرش امام عسکری علیه السلام.^۱
- ۲ - ادّعی امامت و رهبری، زیرا او به وزیر عباسی عبیدالله بن یحیی بن خاقان گفت: «مقام برادرم را به من بدهید، من سالانه مبلغ بیست هزار دینار بابت آن به شما می‌پردازم».^۲
- ۳ - ادّعی ارث، زیرا در اقدامی دیگر کوشید تا اموال امام علیه السلام را تصاحب نماید و ادّعا کرد که برادرش ابو محمد علیه السلام فرزندی ندارد، و تنها وارث، برادر اوست. حکومت نیز اجازه داد تا بر اموال برادر تسلط یابد.^۳
- ۴ - تحریک حکومت برای دستگیری امام مهدی علیه السلام.

تشبیه جعفر به برادران یوسف

امام زمان علیه السلام در ذیل توقیعی که به محمد بن عثمان عمّری رضی الله عنه صادر شد فرمود: «... وأما سبیل عمی جعفر وولده فسبیل إخوة یوسف علیه السلام...»؛^۴ «اما راه عمویم جعفر و اولادش همانند راه برادران یوسف است...».

برای نکته تشبیه به وجوهی می‌توان اشاره نمود:

- ۱ - حکم جعفر عموی امام زمان علیه السلام را همانند اولاد انبیا، باید به آباء و اجدادشان واگذار نمود و درباره آن‌ها سخنی نگفت.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳. کافی، ج ۱، ص ۵۰۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.

۲ - همان‌گونه که برادران یوسف از عمل ناشایست خود توبه کردند، او نیز چنین نموده است. و لذا برخی او را به جعفر توّاب لقب داده‌اند.

۳ - فرزندان یعقوب گرچه گناه مرتکب شدند، ولی خداوند متعال به جهت کرامت یعقوب از آنان عفو نمود. همچنین در مورد جعفر، زیرا او فرزند امام، برادر امام، و عموی امام بود.

۴ - ممکن است که تشبیه، ناظر به اثبات خطا و گناه برای جعفر باشد، همان‌گونه که اولاد یعقوب مرتکب گناه شدند، بدین معنا که هرگز نمی‌توان ادعا کرد اولاد انبیا و اوصیا همانند خود آن‌ها از گناه معصومند، بلکه همان‌گونه که فرزندان یعقوب مرتکب گناه شدند، فرزند امام نیز ممکن است مرتکب گناه شود. در حقیقت، هدف امام از تمثیل رفع استبعاد از این جهت است.

انتقال امامت به دو برادر

احمد کاتب می‌گوید: «قول به عدم جواز انتقال امامت به دو برادر بعد از حسن و حسین و وجوب استمرار آن در اعقاب، ضعیف است، و اجماعی بر آن در آن وقت نبوده است...».

در پاسخ او می‌گوییم:

جمهور شیعه امامیه و مشهور بلکه متواتر نزد آنان قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام، قول به عدم جواز انتقال امامت به دو برادر بعد از امام حسن و امام حسین علیهما السلام است.

اسماعیل بن علی نوبختی می‌گوید: «از اخبار متواتر از امامان صادق علم پیدا نمودیم که امامت بعد از حسن و حسین علیهم السلام تنها در اولاد امام خواهد بود نه در برادر یا اقوام».^۱

اشعری قمی^۲ و علی بن حسن نوبختی^۳ نیز همین اعتقاد را داشته‌اند.

از برخی روایات نیز این مطالب به خوبی استفاده می‌شود:

کلینی به سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لا تعود الإمامة في الأخوين بعد الحسن والحسين أبداً»؛^۴ «بعد از حسن و حسین هرگز امامت در دو برادر نخواهد بود.»

و نیز به سند دیگر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لا تجتمع الإمامة في أخوين بعد الحسن و الحسين إنما هي في الأعقاب و أعقاب الأعقاب»؛^۵ «امامت در دو برادر بعد از حسن و حسین جمع نخواهد شد. همانا امامت در نسل‌ها و نسل‌های نسل‌هاست.»

و نیز از اسماعیل بن بزیر نقل شده که از امام رضا علیه السلام سؤال شد: «أنه سئل: أتكون الإمامة في عمٍّ أو خالٍ؟ فقال: لا. فقلت: ففي أخٍ، قال: لا...»؛^۶ «آیا امامت در عمو یا دایی قرار خواهد گرفت؟ فرمود: خیر. عرض کردم: دو برادر چطور؟ فرمود: خیر...».

۲. المقالات والفرق، ص ۱۰۲.

۴. کافی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱.

۶. همان، ح ۳.

۱. کمال‌الدین، ص ۹۲.

۳. فرق‌الشیعه، ص ۱۱۰.

۵. همان، ص ۲۸۶، ح ۴.

تعزیت به جعفر

احمد کاتب می‌گوید: «مطابق حدیث ابوالأدیان عموم شیعه که در ضمن آن‌ها نایب اول وجود داشت به جعفر در سوگ امام عسکری علیه السلام تعزیت گفته و نیز به جهت امامت او، تهنیت گفتند.

در پاسخ او می‌گوییم:

۱ - با مراجعه به حدیث ابوالأدیان^۱ پی می‌بریم که برداشت احمد کاتب به طور عموم صحیح نیست. بلکه آنچه در آن حدیث آمده این است که ابوالأدیان می‌گوید: «... وإذا أنا بجعفر بن علی أخیه بباب الدار والشیعة حوله یعزونه ویهنئونه...»؛ «... ناگهان جعفر بن علی برادر امام عسکری علیه السلام را کنار درب خانه دیدم در حالی که شیعیانی که دور او بودند به او تعزیت و تبریک می‌گفتند.» از این تعبیر استفاده می‌شود که برخی از شیعیان که هنوز امر امامت حضرت مهدی علیه السلام به جهت اختفای ولادت روشن نشده بود به گمان اینکه او امام است درصدد تهنیت او برآمدند.

۲ - در این روایت اثری از نایب اول عثمان بن سعید که به جعفر تعزیت و تبریک بگوید وجود ندارد. و این نسبتی دروغ است که کاتب به نایب اول داده است.

۳ - با مراجعه به مجموعه روایت ابوالأدیان استفاده می‌شود که جعفر در ادعای خود دروغ‌گو بوده است.

ابوالادیان می‌گوید: «فلما صرنا فی الدار إذا نحن بالحسن بن علی صلوات

۱. کمال الدین، ص ۴۷۵ و ۴۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳.

الله علیه علی نعشه مکفنا فتقدم جعفر بن علی لیصلی علی أخیه، فلما هم بالتکبیر خرج صبی بوجهه سمره، بشعره قطط، بأسنانه تفلیح، فجبذ برداء جعفر بن علی وقال: تأخر یا عمّ فأنا أحق بالصلاة علی أبی، فتأخر جعفر، وقد اربد وجهه واصفر فتقدم الصبی وصلی علیه ودفن إلى جانب قبر أبیه علیهما السلام ثم قال: یا بصری هات جوابات الکتب التي معک، فدفعتها إليه؛^۱ «... هنگامی که به خانه حضرت رسیدم مشاهده کردم که نعش حسن بن علی علیه السلام کفن پیچ است. جعفر جلو آمد تا بر جنازه برادرش نماز بگذارد. همین که خواست تکبیر نماز میت بگوید، کودکی گندم‌گون، با موهای فری، دندان‌هایی باز، از پشت پرده بیرون آمد و ردای جعفر بن علی را کشید و فرمود: «کنار برو ای عمو، زیرا من سزاوارترم که بر پدرم نماز گزارم». جعفر در حالی که رنگ صورتش تغییر کرده بود کنار رفت. این کودک جلو آمد و بر جنازه امام عسکری علیه السلام نماز گزارد و جنازه کنار قبر پدرش علیه السلام به خاک سپرده شد. آن‌گاه فرمود: ای بصری! جواب نامه‌هایی که با توست به من بده. من هم آن‌ها را به حضرت دادم...».

و نیز ابوالادیان می‌گوید: «هنگامی که جعفر را چنین دیدم با خود گفتم: اگر این مرد امام است پس در حقیقت امامت باطل شده است، زیرا من او را آن گونه که می‌شناسم شخصی است که شرب نبیذ (مسکر) می‌کند و نیز با جوسق قمار کرده و با طنبور بازی می‌کند...»^۲.

۱. کمال الدین، ص ۴۷۵ و ۴۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳.

۲. همان.

ولادت مهدی موعود «علیه السلام»

از دیدگاه اهل سنت

ولادت امام مهدی علیه السلام از موارد اختلاف شیعه و اهل سنت است؛ گرچه تعداد بی‌شماری از علمای اهل سنت، همانند شیعه امامیه معتقدند امام عسکری علیه السلام فرزندی به نام محمد داشته است هم چنین برخی از آنان، همانند شیعه معتقدند که صاحب الزمان و مهدی و کسی که در آخر زمان قیام می‌کند همو است، اما بعضی دیگر، از اهل سنت با این عقیده مخالفند. اکنون به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

اعتراف اهل سنت به ولادت

با مراجعه به کتاب‌های تاریخی و دیگر کتاب‌های اهل سنت پی می‌بریم که عدّه بسیاری از آن‌ها به ولادت حضرت مهدی علیه السلام اعتراف نموده‌اند. اینک به اسامی برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

۱ - علامه شمس الدین قاضی ابن خلکان شافعی (متوفای ۶۸۱ هـ)

او می‌گوید: «ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری، ابن علی الهادی، ابن محمد الجواد المذكور قبله، ثانی عشر الائمة الاثنی عشر علی اعتقاد الامامیه المعروف بالحجة... کانت ولادته يوم الجمعة منتصف شعبان سنة ۲۵۵ هـ ولما توفي ابوه كان عمره خمس سنين»؛^۱ «ابوالقاسم محمد بن حسن

۱. وفيات الاعيان، ج ۴، ص ۱۷۶.

عسکری فرزند علی هادی فرزند محمد جواد، دوازدهمین امام نزد شیعه دوازده امامی معروف به حجت... ولادت او در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد. هنگام وفات پدرش پنج سال داشت...».

۲ - علامه صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی

«الحجة المنتظر محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الكاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم، الحجة المنتظر، ثانی الأئمة الإثنی عشر، هذا الذي تزعم الشيعة انه المنتظر القائم المهدي... ولد نصف شعبان سنة خمس وخمسين ومأتين...»^۱ «حجت منتظر محمد بن حسن عسکری فرزند علی هادی، فرزند محمد جواد، فرزند علی رضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق، فرزند محمد باقر، فرزند زین العابدین، فرزند حسین بن علی، فرزند علی بن ابی طالب، حجت منتظر، دوازدهمین امام نزد شیعه امامیه که به اعتقاد آنها، او قائم مهدی می باشد... و در سال ۲۵۵ هجری نیمه شعبان متولد شده است...».

۳ - ابن اثیر جزری

وی در مورد حوادث سال ۲۶۰ هجری می گوید: «وفیها توفی... ابو محمد العلوی العسکری وهو احد الأئمة الإثنی عشر علی مذهب الامامیه، وهو والد محمد الذي يعتقدونه المنتظر بسرداب سامراء...»^۲ «در آن سال ابو محمد علوی عسکری وفات یافت. او یکی از امامان دوازده گانه طبق مذهب

۱. الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۳۳۶. ۲. الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۵۴.

امامیه است. فرزند او محمد است که امامیه در سرداب سامرا به انتظار او نشسته‌اند...».

۴ - علامه میر خواند

«کانت ولادة الامام المهدي المسمى باسم الرسول ﷺ والمكثي بكنيته بسر من رأى في ليلة النصف من شعبان سنة ۲۵۵، وكان عمره وقت وفاة ابيه خمس سنين. آتاه الحكمة كما آتاه يحيى صبياً وجعله في الطفولية اماماً، كما جعل عيسى نبياً»؛^۱ «ولادت امام مهدي که هم نام رسول اکرم ﷺ و هم کنیه با او است در سامرا نیمه شعبان سال ۲۵۵ اتفاق افتاد. عمر او هنگام وفات پدرش پنج سال بود. خداوند متعال در آن سن به او حکمت داد؛ همان گونه که در کودکی به حضرت يحيى عنایت فرمود و او را امام قرار داد و حضرت عيسى را نیز به مقام نبوت برگزید...».

۵ - علی بن حسین مسعودی (متوفای ۳۴۶ هـ)

«وفي سنة ستين ومأتين قبض ابو محمد الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسن بن علي ابى طالب - عليه السلام - في خلافة المعتمد، وهو ابن تسع وعشرين سنة وهو ابوالمهدي المنتظر والامام الثاني عشر...»؛^۲ «در سال ۲۶۰ هجری ابو محمد حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در عصر خلافت معتمد عباسی رحلت نمود، در حالی که ۲۹ سال داشت. او پدر مهدی منتظر و امام دوازدهم امامیه است...».

۲. مروج الذهب. ج ۴، ص ۱۱۲.

۱. روضة الصفا. ج ۳، ص ۵۹.

۶ - ابوالفداء اسماعیل بن علی شافعی (متوفای ۷۳۲هـ)

او در رخدادهای تاریخ سال ۲۵۴هـ می‌گوید: «والحسن العسكري المذكور هو والد محمد المنتظر صاحب السرداب. ومحمد المنتظر المذكور هو ثاني عشر الائمة الاثني عشر على رأي الامامية. ويقال له: القائم والمهدي والحجة...»^۱ «حسن عسكري پدر محمد منتظر صاحب سرداب است. محمد منتظر طبق رأي اماميه دوازدهمين امام است. از القاب او قائم، مهدي و حجت است...».

۷ - علامه محمد فرید وجدی

او می‌گوید: «ابوالقاسم محمد بن الحسن العسكري بن علی الهادی... هو ثاني عشر الائمة الاثني عشر في اعتقاد الامية المعروف بالحجة... فهم يدعون انه دخل السرداب في دار ابيه وامه تنظر اليه فلم يخرج بعد اليها...»^۲ «ابوالقاسم محمد بن حسن عسكري فرزند علی هادی... بنا بر اعتقاد اماميه، دوازدهمين امام از امامان و معروف به حجت است... شيعه معتقد است که او داخل سرداب خانه پدرش شده در حالی که مادرش او را نظاره می‌کرد و هنوز خارج نشده است...».

۸ - سبط بن جوزی

وی در فصلی راجع به امام حجت حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌گوید: «محمد بن الحسن بن علی بن محمد... وكنيته ابو عبدالله وابوالقاسم وهو الخلف الحجة

۱. المختصر في اخبار البشر، معروف به تاريخ ابوالفداء، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲. دائرة المعارف، ج ۶، ص ۴۳۹.

صاحب الزمان القائم والمنتظر...»^۱ «محمد بن حسن بن علی بن محمد... کنیه او ابو عبدالله و ابوالقاسم است و او جانشین و حجت، صاحب الزمان و قائم و منتظر است...».

۹ - محمد بن طلحه شافعی

او در شرح حال امام مهدی علیه السلام می گوید: «محمد بن الحسن الخالص بن علی المتوکل بن محمد... فاما مولده فبسرّ من رأی... وکنيته: ابوالقاسم ولقبه: الحجة والخلف الصالح، وقيل: المنتظر»^۲ «محمد بن حسن خالص فرزند علی متوکل فرزند محمد... در سامرا متولد شد... کنیه اش ابوالقاسم و لقبش حجت، خلف صالح و بنا بر قولی منتظر است...».

۱۰ - شمس الدین محمد بن طولون حنفی (متوفای ۹۵۳ هـ)

او در شرح حال امامان می گوید: «وثانی عشرهم ابنه محمد بن الحسن، وهو ابوالقاسم... کانت ولادته - رض - يوم الجمعة منتصف شعبان سنة خمس وخمسين ومائتين. ولما توفي ابوه المتقدم ذكره - رضي الله عنهما - كان عمره خمس سنين»^۳ «... دوازدهمین آنان، فرزندش محمد بن حسن ابوالقاسم است... ولادتش در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد و هنگام وفات پدر، پنج سال داشت...».

۱۱ - میرزا محمد بن رستم بدخشی شافعی

او در شرح حال امام حسن عسکری می گوید: «و لم يترك ولداً الاّ محمد

۱. تذكرة الخواص، ص ۳۷۷.

۲. مطالب السؤل في مناقب آل الرسول، ج ۲، ص ۱۵۲ و ۱۵۳، باب ۱۲.

۳. الشذرات الذهبية، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

المنتظر...»؛^۱ «...او فرزندی جز محمد منتظر، از خود به جای نگذاشت...».

۱۲ - احمد بن حجر هیتمی شافعی

وی بعد از شرح حال ابومحمد حسن عسکری می‌گوید: «ولم یخلف غیر ولده ابی القاسم محمد الحجة وعمره عند وفاة ابيه خمس سنين، لكن آتاه الله فيها الحكمة. ويسمى القائم المنتظر»؛^۲ «حسن عسکری فرزندی جز ابی القاسم محمد حجت بر جای نگذاشت. عمرش هنگام وفات پدر، پنج سال بود. اما خداوند به او در آن پنج سال حکمت آموخت. او را قائم منتظر می‌نامند...».

۱۳ - محیی‌الدین بن عربی

او می‌گوید: «و اعلموا انه لا بد من خروج المهدي عليه السلام، لكن لا يخرج حتى تمتلئ الارض جوراً وظلماً فيملؤها قسطاً وعدلاً... وهو من عترة رسول الله صلى الله عليه وآله من ولد فاطمة رضی الله عنها، جده الحسين بن علي بن ابی طالب. ووالده حسن العسکری ابن الامام علی النقی... يواطى اسمه اسم رسول الله صلى الله عليه وآله يبايعه المسلمون بين الركن والمقام...»؛^۳ «بدانید که خروج مهدی حتمی است. خروج نمی‌کند تا زمین پر از جور و ظلم شده باشد؛ آن‌گاه آن را پر از عدل و داد خواهد کرد... او از عترت رسول خدا و از فرزندان فاطمه است. جدش حسین بن علی بن ابی طالب و پدرش حسن عسکری فرزند امام علی نقی... و هم نام رسول خداوند است. مسلمانان با او بین رکن و مقام بیعت می‌کنند...».

۱۴ - مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی (متوفای ۱۲۹۸ هـ)

او می‌گوید: «كانت وفاة ابی محمد الحسن بن علی في يوم الجمعة لثمان

۱. مفتاح النجا في مناقب آل العباس. ص ۱۰۴.

۲. صواعق المحرقة، ص ۲۰۸. ۳. فتوحات مکیه، باب ۳۶۶.

خلون من شهر ربیع الاول سنة ستین ومأتین. و خلف من الولد ابنه محمداً...
 امه امّ ولد يقال لها نرجس... وكنيته ابوالقاسم. ولقبه الامامية بالحجة
 والمهدى والخلف الصالح والقائم والمنتظر وصاحب الزمان واشهرها
 المهدى؛^۱ «وفات ابی محمد حسن بن علی در روز جمعه هشتم ربیع الاول سال
 ۲۶۰ هـ اتفاق افتاد. او فرزندی به جای گذاشت که نامش محمد است. مادرش امّ
 ولد و نرجس نام داشت. کنیه اش ابوالقاسم و القابش نزد امامیه: حجت، مهدی،
 خلف صالح، قائم، منتظر و صاحب الزمان است و مشهورترین آنها مهدی
 است...».

۱۵ - ابوالولید محمد بن شحنه حنفی

«ولد لهذا الحسن [العسکری] ولده المنتظر ثانی عشرهم. يقال له
 المهدى و القائم والحجة، محمد. ولد في سنة خمس وخمسين ومأتین؛^۲
 «خداوند به حسن عسکری فرزندی عنایت فرمود که انتظار او را می کشیدند. وی
 دوازدهمین امام نزد امامیه است. نامش محمد و القابش مهدی، قائم و حجت
 است. ولادتش در سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد.».

۱۶ - شیخ محمد بن علی صبان شافعی

وی ولادت حضرت حجت علیه السلام را از شعرانی و محیی الدین ابی عربی نقل
 می کند و بر آن ایرادی نمی گیرد که این دلیل بر قبول داشتن آن قول است.^۳

۱. نورالابصار، ص ۳۴۱ و ۳۴۲.

۲. روضة المناظر در حاشیه مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳. اسعاف الراغبین در حاشیه نور الابصار، ص ۱۵۴.

۱۷ - شیخ صفی الدین عبدالمؤمن بغدادی (متوفای ۷۳۹هـ)

او می‌گوید: «و فی هذا المشهد یعنی مشهد العسکریین عجل الله فرجه سرداب فيه سرب تزعم الرافضة انه كان للحسن بن علي الذي ذكرناه، له ابن اسمه محمد صغير غاب في ذلك السرب...»^۱ «در این مشهد - یعنی مشهد عسکریین عجل الله فرجه - سردابی است که رافضه معتقدند برای حسن بن علی است. از او فرزندی است به نام محمد صغیر که می‌گویند در آن سرداب مخفی شده است...».

۱۸ - شیخ زین الدین عمر بن وردی (متوفای ۷۴۹هـ)

«و الحسن العسکری والد محمد المنتظر صاحب السرداب والمنتظر ثاني عشرهم ويلقب ايضاً: القائم والمهدى والحجة. ومولد المنتظر سنة خمس وخمسين ومأتين...»^۲ «...و حسن عسکری پدر محمد منتظر صاحب سرداب دوازدهمین امام شیعه. لقبش قائم، مهدی و حجت است. ولادت او در سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد...».

۱۹ - ابوالعباس احمد بن علی قلقشندی شافعی

او که عالمی متخصص در انساب است، در بیان نسب امام جعفر صادق و فرزندان آن حضرت، فرزندش مهدی عجل الله فرجه را از امام عسکری عجل الله فرجه دوازدهمین امام شیعیان به حساب می‌آورد که شیعه معتقد به زنده بودن اوست. از ظاهر عبارت او استفاده می‌شود که قلقشندی معتقد به ولادت امام مهدی عجل الله فرجه است، ولی اعتقاد به زنده بودن را به شیعه نسبت می‌دهد.^۳

۱. مراد الاطلاع، ج ۲، ص ۶۸۵.

۲. تنمة المختصر في اخبار البشر، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳. نهاية الارب، ص ۱۱۸.

۲۰ - ابو عبدالله یاقوت حموی

او عبارتی شبیه صفی الدین عبدالمؤمن بغدادی آورده است.^۱

۲۱ - محمد امین بغدادی معروف به سویدی

او که از متخصصان در انساب است، می‌گوید: «محمد المهدی، وکان عمره عند وفاة ابیه خمس سنین... زعم الشيعة... انه صاحب السيف القائم المنتظر قبل قيام الساعة. وله قبل قيامه غبتان احد هما اطول من الأخرى»؛^۲ «محمد مهدی، عمرش هنگام وفات پدر پنج سال بود... شیعه او را همان صاحب شمشیری می‌داند که قبل از برپایی قیامت قیام خواهد کرد. او را دو غیبت است که یکی از آن دو از دیگری طولانی‌تر است».

۲۲ - ابن خلدون مغربی (متوفای ۸۰۸هـ)

او می‌گوید: «نقلوا الخلافة من جعفر... الی ابنه موسی الکاظم وولده علی سلسله واحده الی تمام الاثنی عشر وهو محمد المهدی»؛ «رافضه خلافت را بعد از جعفر بن محمد به فرزندش موسی کاظم و از او به فرزندش رضا و از او به جواد و از او به علی و سپس عسکری و از او به فرزندش محمد مهدی منتقل نموده‌اند...»^۳

از این عبارت استفاده می‌شود که ابن خلدون ولادت حضرت علیه السلام را قبول دارد، ولی خلافت او را به شیعه نسبت می‌دهد.

۲۳ - ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (متوفای ۵۴۸هـ)

او می‌گوید: «و بعده ابنه محمد القائم المنتظر الذی بسر من رأی وهو

۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۳. ۲. سیانک الذهب، ص ۷۸.

۳. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۳۶۱.

الثانی عشر. هذا هو طريق الامامية في زماننا؛^۱ «... بعد از حسن عسکری فرزندش محمد قائم منتظر - که ساکن سامرا بود - نزد شیعه به امامت رسید. او دوازدهمین امام نزد آنان است».

۲۴ - نور الدین ابن صباغ مالکی

او در فصل دوازدهم از کتابش می گوید: «ابوالقاسم محمد الحجة الخلف الصالح ابن ابی محمد الحسن الخالص وهو الامام الثاني عشر. ثم ذکر تاریخ ولادته ودلائل امامته»؛^۲ «ابوالقاسم محمد حجت خلف صالح فرزند ابو محمد حسن خالص، امام دوازدهم است. آن گاه به تاریخ ولادت و دلایل امامت او می پردازد...».

۲۵ - محمد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا حنفی وی چنین می گوید: «من ائمة اهل البيت الطيبين ابو محمد الحسن العسكري... لم يخلف ولداً غير ابی القاسم محمد المنتظر المسمى بالقائم والحجة والمهدی وصاحب الزمان وخاتم الائمة الاثني عشر عند الامامية. وكان مولد المنتظر ليلة النصف من شعبان سنة ۲۵۵»؛^۳ «از امامان اهل بیت طیبین ابو محمد حسن عسکری است... او فرزندی جز ابوالقاسم محمد منتظر معروف به قائم، حجت، مهدی، صاحب الزمان و خاتم امامان دوازده امامی نزد امامیه بر جای نگذاشت. ولادتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری بوده است...».

۱. الفصول المهمة. ص ۲۷۳. ۲. الفصول المهمة. ص ۲۷۳.

۳. المرقاة فی شرح المشكاة، ج ۱۰، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۲۶ - ملا علی قاری حنفی مکی (متوفای ۱۰۱۴ هـ)

وی در شرح حدیث دوازده خلیفه می‌گوید: «و قد حمل الشيعة الاثني عشرية على انهم من اهل بيت النبوة متوالية... فاولهم علي... فمحمد المهدي رضوان الله عليهم اجمعين»؛^۱ «شيعة دوازده امامی آن‌ها را بر اهل بیت نبوت به طور پیاپی منطبق می‌کند... که اول آن‌ها علی علیه السلام است و... آخر آن‌ها محمد مهدی است. رضوان الله عليهم اجمعين».

۲۷ - فضل بن روز بهان

او در سلام‌هایی که بر هر یک از امامان از ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دهد، به اینجا می‌رسد: «سلام علی القائم المنتظر ابی القاسم»؛^۲ «سلام بر قائم منتظر ابی القاسم...».

۲۸ - جمال‌الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی (متوفای ۳۲۷۵ هـ)

او می‌گوید: «الامام الثاني عشر صاحب الكرامات المشتهر الذي عظم قدره بالعلم واتباع الحق والأثر، القائم بالحق والداعي الى نهج الحق... وكان مولده على ما نقلته الشيعة ليلة الجمعة للنصف من شعبان خمس وخمسين ومأتين بسرّ من رأى في زمان المعتمد. واهه نرجس بنت قيصر الرومية...»؛^۳ «امام دوازدهم صاحب کرامات مشهور، کسی که عظیم القدر در علم و پیروی از حق و سنت نبوی است. کسی که قائم به حق و دعوت کننده به راه حق است. ولادت امام ابوالقاسم محمد بن حسن مطابق نقل شیعه، زمان پادشاهی

۱. المرقاة في شرح المشكاة. ج ۱۰. ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۲. دلائل الصدق. ج ۲. ص ۳۷۰. ۳. معراج الوصول الى معرفة فضل آل الرسول.

معتمد عباسی، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در سامرا اتفاق افتاده است. مادرش نرجس دختر قیصر روم بود...».

۲۹ - قاضی بهلول بهجت افندی

«ولد في الخامس عشر من شعبان سنة ۲۵۵، وان اسم امه نرجس وان له غيبتين الاولى الصغرى والثانية الكبرى وصرح ببقائه، وانه يظهر حين اذن الله تعالى بالظهور، ويملاً الأرض قسطاً وعدلاً...»^۱ «ولادت امام دوازدهم در پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ بود. اسم مادرش نرجس است. برای او دو غیبت است. یکی صغری و دیگری کبری و تصریح به بقایش کرده است. هرگاه که خداوند به او اذن دهد ظهور می کند، آن گاه زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد...».

۳۰ - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ هـ)

او در باب ۲۵ از کتاب خود، در بحث از طول عمر حضرت علیه السلام می گوید: «ولا امتناع في بقاءه بدليل بقاء عيسى والياس والخضر من اولياء الله تعالى، وبقاء الدجال وابليس ملعونين من اعداء الله تعالى...»^۲ «بقایش استبعادی ندارد، زیرا حضرت عیسی و الیاس و خضر از اولیای الهی عمر طولانی دارند و نیز دجال و ابلیس ملعون از دشمنان خداوند عمر طولانی کردند...».

۳۱ - احمد امین مصری

او نیز معتقد به ولادت حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است و این که شیعه معتقد به امامت او به عنوان دوازدهمین امام است، تنها در

۱. المحاکمة في تاريخ آل محمد، ص ۲۴۶. ۲. البيان في اخبار صاحب الزمان، ص ۱۴۸.

امامت آن بزرگواران اشکال می‌گیرد ولی ولادت آن حضرت را قبول می‌کند.^۱

۳۲ - شیخ حسین بن محمد دیار بکری مالکی (متوفای ۹۶۶هـ)

او می‌گوید: «الثاني عشر محمد بن الحسن بن علي بن محمد بن علي الرضا، يكنى ابا القاسم، ولقبه الامامية بالحجة والقائم والمهدي والمنتظر وصاحب الزمان. وهو عندهم خاتم الاثني عشر...»^۲ «دوازدهمین آن‌ها محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا است. کنیه اش ابوالقاسم و لقبش نزد امامیه: حجت، قائم، مهدی، منتظر و صاحب‌الزمان است. او نزد امامیه دوازدهمین امام است...».

۳۳ - شمس‌الدین ذهبی شافعی (متوفای ۷۴۸هـ)

او در برخی از کتاب‌هایش به ولادت حضرت مهدی عجل الله فرجه اعتراف نموده است:

الف) در کتاب العبر في خبر من غير^۳ می‌گوید: «محمد بن الحسن العسكري بن علي الهادي بن محمد الجواد بن علي الرضا بن موسى الكاظم بن جعفر الصادق العلوي الحسيني ابوالقاسم، الذي تلقبه الرافضة الخلف الحجة وتلقبه بالمهدي وبالمنتظر وتلقبه بصاحب الزمان وهو خاتمة الاثني عشر»؛ «محمد بن حسن عسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی کاظم بن جعفر الصادق علوی حسینی ابوالقاسم. رافضه او را خلف حجت، مهدی، منتظر، صاحب‌الزمان و خاتم دوازده امام لقب داده‌اند».

۱. ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۱۰ - ۲۱۲. ۲. دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۲۸۸.

۳. العبر في الخبر من غير، ج ۱، ص ۳۸۱.

ب) در کتاب «تاریخ الاسلام»^۱ می‌گوید: «و اما ابنه محمد بن الحسن الذي يدعوه الرافضة القائم الخلف الحجة...»؛ «فرزند امام حسن عسکری، محمد بن حسن است. رافضه او راقائم و خلف حجت می‌نامند...».

ج) در کتاب سیر أعلام النبلاء^۲ می‌گوید: «المنتظر الشريف ابوالقاسم محمد بن الحسن العسكري... خاتمة الإثنى عشر سيّداً»؛ «منتظر شریف، ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری... خاتم دوازده امام بزرگوار...».

۳۴ - فخر رازی شافعی

وی در کتابی که در موضوع علم انساب تدوین کرده، می‌گوید: «اما الحسن العسكري الامام فله ابنان و بنتان، اما الابنان فاحدهما صاحب الزمان - عجل الله تعالى فرجه الشريف - ... دلالة نصوص اكثر المؤرخين و ارباب التراجم و المعاجم على ولادة الحجة ابن القاسم محمد بن الحسن بن علي العسكري عليه السلام من صلب ابيه و من رحم امه السيدة نرجس في سنة ۲۵۲ او ۲۵۵ او ۲۵۹ على اختلاف في ذلك و ان كان الثابت عند اكثر الشيعة ليلة النصف من شعبان سنة ۲۵۵»؛^۳ «اما حسن عسکری، او دو پسر و دو دختر داشت. یکی از پسرانش صاحب الزمان - عجل الله تعالى فرجه الشريف - است...».

آن‌گاه می‌نویسد: نصوص اكثر مورّخان و صاحبان تراجم و معاجم بر ولادت حجت ابی القاسم محمد بن حسن بن علی عسکری عليه السلام اتفاق دارد. او از صلب پدر

۱. تاریخ الاسلام، ص ۱۱۳، حوادث و وفیات سال ۲۵۱ - ۲۶۰.

۲. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹، رقم ۶۰.

۳. الشجرة المباركة في أنساب الطالبية، ص ۷۸ و ۷۹.

و از رحم مادرش نرجس خاتون در سال ۲۵۲ یا ۲۵۵ یا ۲۵۹ هجری به دنیا آمد، اگر چه طبق نظر شیعه در سال ۲۵۵ در شب نیمه شعبان به دنیا آمده است...».

۳۵ - علامه نسابه سید محمد بن حسین حسینی

سمرقندی مدنی (متوفای ۹۹۶ هـ)

او می‌گوید: «اما ولده محمد المهدی... فهو الثاني عشر من الأئمة ولد يوم الجمعة منتصف شعبان سنة خمس وخمسين ومائتين... وكنيته ابوالقاسم والقابه الحجة والخلف الصالح والقائم والمنتظر وصاحب الزمان واشهرها المهدی... وكان عمره حين توفي ابوه خمس سنين»؛^۱ «فرزند حسن عسکری، محمد مهدی است... او دوازدهمین امام از ائمه است. در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد... کنیه‌اش ابوالقاسم والقابش: حجت، خلف صالح، قائم، منتظر و مشهورترین آنها مهدی است... وی هنگام وفات پدر پنج سال داشت».

۳۶ - شریف انس کتبی حسینی

وی در تعلیقه خود بر کتاب تحفة الطالب می‌گوید: «اختفی الامام المهدی فی سن مبكر. والامر مسلم بين السنة والشيعة على اختفائه وعدم ظهوره. وقد اثبت لنا الكتب التاريخية ان المهدى دخل السرداب وهو صغير السن فلم يكن له عقب وهذا ما اثبته كتب الانساب...»؛^۲ «امام مهدی در کودکی از مردم پنهان شد. این امر نزد شیعه و سنی مسلم است. کتاب‌های تاریخ این مطلب

۱. تحفة الطالب بمعرفة من ينتسب الى عبدالله وابي طالب، ص ۵۴ و ۵۵.

۲. تحفة الطالب، ص ۵۵.

را به اثبات رسانده که مهدی علیه السلام در کودکی داخل سرداب شد، در حالی که نسلی نداشت. کتاب‌های انساب نیز این مطلب را به اثبات رسانده‌اند...».

همو در کتاب الأصول فی ذریة البضعة البتول^۱ می‌نویسد: «و توفی الحسن العسکری فی اوائل ملک احمد بن المتوکل بسرّ من رأی مسموماً... وله من الولد محمد المهدی... وکنیته ابوالقاسم و ابو عبدالله و القابه الحجة و الخلف الصالح و القائم و المنتظر و التالی و صاحب الزمان و اشهرها المهدی... و کان عمره حین توفی ابوه خمس سنین...»؛ «حسن عسکری در اوایل سلطنت احمد بن متوکل در سامرا با سمّ به شهادت رسید... او فرزندی به نام محمد مهدی از خود به جای گذاشت... کنیه‌اش ابوالقاسم و ابو عبدالله است. و القابش: حجت، خلف صالح، قائم، منتظر، تالی، صاحب الزمان و مشهورترین آن‌ها مهدی است... عمرش هنگام فوت پدر پنج سال بود».

۳۷ - شیخ عبدالله بن محمد شبراوی مصری شافعی (متوفای

۱۱۷۲ هـ)

او می‌گوید: «الثانی عشر من الائمة ابوالقاسم محمد الحجة الامام. قيل: هو المهدی المنتظر. ولد الامام محمد الحجة ابن الامام الحسن الخالص - رض - بسرّ من رأی ليلة النصف من شعبان سنة خمس و خمسين و مائتين قبل موت ابیه بخمس سنین، وکان ابوه قد اخفاه حین ولد و ستر امره لصعوبة الوقت و خوفه من الخلفاء... وکان الامام محمد الحجة یلقب ایضاً بالمهدی و القائم و المنتظر و الخلف الصالح و صاحب الزمان و اشهرها

۱. الأصول فی ذریة بضعة البتول، ص ۹۸ و ۹۹.

المهدى. ولذلك صحّت الاحاديث بانه يظهر آخرالزمان...»^١ «دوازدهمین از امامان، ابوالقاسم محمد حجت امام؛ برخی او را همان مهدی منتظر می دانند. ولادت محمد حجت فرزند حسن خالص عليه السلام در سامرا نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری پنج سال قبل از وفات پدرش اتفاق افتاد. پدرش به دلیل ترس از خلفا او را از مردم مخفی می داشت. او ملقب به مهدی، قائم، منتظر، خلف صالح، و صاحب الزمان است. و مشهورترین آن ها مهدی است. شیعه می گوید: احادیث صحیح دلالت دارد بر این که او در آخرالزمان ظهور خواهد کرد...».

۳۸ - ابن عماد دمشقی حنبلی (متوفای ۱۰۸۹ هـ)

وی در مورد حوادث سال ۲۶۰ هجری می گوید: «وفیها توفی الحسن بن علی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق العلوی الحسینی، احد الاثنی عشر الذین تعتقد الرافضة فیهم العصمة، وهو والد المنتظر محمد صاحب السرداب»^۲ «در آن سال حسن بن علی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق علوی حسینی یکی از امامان دوازده گانه به اعتقاد رافضه، از دار دنیا رحلت نمود. او پدر منتظر محمد صاحب سرداب است.»

۳۹ - جمال الدین احمد بن علی حسینی معروف به ابن عنیه (متوفای ۸۲۸ هـ)

او می گوید: «و اما علی الهادی فیلقب بالعسکری لمقامه بسرّ من رأی...»

۱. الاتحاف بحبّ الأشراف، باب ۵، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲. شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۳، ص ۲۶۵.

واعقب من رجلین هما الامام ابو محمد الحسن العسكري علیه السلام و اخوه جعفر. كان من الزهد والعلم علی امر عظیم، وهو والد الامام محمد القائم المنتظر عندهم من امّ ولد اسمها نرجس؛^۱ «علی الهادی، ملقب به عسکری به جهت سکونت در سامرا... دو فرزند داشت: یکی از آن دو، ابو محمد حسن عسکری علیه السلام و دیگری، جعفر است. حسن عسکری علیه السلام دارای زهد و علم فراوانی بود. او پدر امام محمد مهدی دوازدهمین امام نزد امامیه صلوات الله علیه است. نزد آن‌ها کسی است که قیام خواهد کرد. مادرش ام ولد و اسمش نرجس است...».

۴۰ - محمد بن عبدالرسول برزنجی شافعی (متوفای ۱۱۰۳ هـ)

وی با اعتقاد به ولادت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام به نام محمد، در غیبت صغرا و کبرا و ظهور او اشکال می‌کند.^۲

۴۱ - ابوالبرکات نعمان بن محمود آلوسی حنفی (متوفای ۱۳۱۷ هـ)

او می‌گوید: «و المشهور من مذاهبهم مذهب الامامية الاثني عشرية ان المهدي هو محمد بن الحسن العسكري بن علی الهادی... ويعرف عندهم بالحجة والمنتظر والقائم...»^۳ «مشهورترین مذاهب شیعی، مذهب امامیه دوازده امامی است که می‌گویند: مهدی همان محمد بن حسن عسکری بن علی الهادی... است که نزد امامیه معروف به حجت، منتظر و قائم است...».

کسانی که مهدی را همان موعود جهانی می‌دانند

عده‌ای از اهل سنت که معتقد به ولادت حضرت مهدی علیه السلام هستند او را

۱. عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب، ص ۱۹۹.

۲. الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۱۴۹. ۳. غالية الواعظ، ج ۱، ص ۷۸.

همانند شیعه همان موعود جهانی می‌دانند. اینک به اسامی برخی از آنان اشاره می‌نماییم:

۱ - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ هـ)

او درباره امام ابی محمد حسن عسکری چنین می‌گوید: ^۱ «وخلّف ابنه وهو الامام المنتظر. صلوات الله عليه»؛ «از خود فرزندی به جای گذاشت که همان امام منتظر است. صلوات الله عليه».

۲ - عارف عبدالوهاب شعرانی حنفی

وی از برخی عرفا نقل می‌کند: «فهاک یترقّب خروج المهدي ﷺ وهو من اولاد الامام حسن العسکری ﷺ ومولده ﷺ ليلة النصف من شعبان سنة خمس وخمسين ومأتين. وهو باق الى ان يجتمع بعيسى بن مريم ﷺ فيكون عمره الى وقتنا هذا وهو سنة ثمان وخمسين وتسعمائة، سبعمائة سنة وست سنين. هكذا اخبرني الشيخ حسن العراقي»؛ ^۲ «در آخر الزمان امید خروج مهدی است. او از اولاد امام حسن عسکری ﷺ است. ولادت او نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد. او تا به حال زنده است تا این که با حضرت عیسی ﷺ اجتماع کند. عمرش تا این زمان ۷۰۶ سال است. این چنین شیخ حسن عراقی به من خبر داد...».

۳ - شیخ سلیمان قندوزی حنفی (متوفای ۱۲۹۴ هـ)

«فالخبر المعلوم المحقق عند الثقات ان ولادة القائم ﷺ كانت ليلة

۱. کفایة الطالب، ص ۳۱۲.

۲. البواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۲۷.

الخامس عشر من شعبان سنة خمس وخمسين ومأتين في بلدة سامراء؛^۱
 «خبر معلوم و تحقیق شده نزد افراد معتبر آن است که ولادت قائم در شب نیمه
 ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا اتفاق افتاده است...».

۴ - شیخ نور الدین عبدالرحمن جامی حنفی (متوفای ۸۹۸هـ)

او حضرت حجت بن الحسن را دوازدهمین امام دانسته است، آن‌گاه با
 بیان تاریخ ولادت و احوال و برخی از معجزه هایش، می‌گوید: «الذی یملاً
 الارض عدلاً وقسطاً...»^۲ «او کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد
 کرد...».

۵ - شیخ الاسلام صدر الدین حموی

او در باب ۳۱ از کتابش حدیثی را نقل می‌کند که دلالت صریح بر ولادت
 حضرت مهدی علیه السلام دارد. در آن حدیث که پیامبر صلی الله علیه و آله اسامی هر یک از اوصیا
 و امامان بعد از خود را بر می‌شمارد، در آخر می‌فرماید: «وانّ الثانی عشر من
 ولدی یغیب... فحینئذ یأذن الله تعالی له بالخروج...»^۳ «همانا دوازدهمین از
 فرزندانم غیبت می‌کند... تا این که خداوند متعال به او اذن خروج می‌دهد...».

۶ - شیخ فرید الدین عطار نیشابوری

او در شعری بعد از ذکر اسامی هر یک از امامان می‌فرماید:
 صد هزاران اولیا روی زمین از خدا خواهند مهدی را یقین
 یا الهی مهدیم از غیب آر تا جهان عدل گردد آشکار

۲. شواهد النبوه ص ۴۰۴ - ۴۰۸.

۱. شواهد النبوه ص ۴۰۴ - ۴۰۸.

۳. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۲.

از تو ختم اولیای این زمان و ز همه معنا نهانی جان جان
از تو هم پیدا و پنهان آمده بنده عطارت ثنا خوان آمده^۱

۷ - جلال الدین بلخی رومی معروف به مولوی (متوفای ۶۷۲هـ)

وی در دیوان معروف خود - طبق نسخه مدرسه عالی شهید مطهری
و نسخه چاپ بمبئی هند - این قصیده را در مدح اهل بیت آورده است:
ای سرور مردان علی مستان سلامت می‌کنند

وی صفدر مردان علی مردان سلامت می‌کنند

تا این که بدین جا می‌رسد:

با میر دین هادی بگو با عسکری مهدی بگو

با آن ولی مهدی بگو مستان سلامت می‌کنند.^۲

۸ - ابوالمعالی صدر الدین قونوی

وی هنگام وفات در وصیت خود به شاگردانش می‌گوید: «واقروا کلمة
التوحید (لا اله الا الله) سبعین الف مرة ليلة الاولي بحضور القلب وبلغوا
منی سلاماً إلى المهدي...»^۳ «... هفتاد هزار بار ذکر «لا اله الا الله» را در شب اول
مرگم با حضور قلب بگوئید و سلام مرا نیز به حضرت مهدی علیه السلام برسانید...».

۹ - احمد بن یوسف ابوالعباس قرمانی حنفی (متوفای ۱۰۱۹هـ)

او می‌گوید: «محمد الحجة الخلف الصالح، وكان عمره عند وفاة ابيه
خمس سنين آتاه الله فيها الحكمة كما أوتيتها يحيى صبيا... واتفق العلماء

۱. ينابيع الموده ج ۳، ص ۳۵۰ و ۳۵۱. ۲. همان، ج ۳، ص ۳۵۱.

۳. همان، ص ۳۴۰ و ۳۴۱.

علی انّ المهدي هو القائم في آخر الوقت...»^۱ «محمد حجت خلف صالح،
 عمرش هنگام وفات پدرش پنج سال بود. خداوند در آن سن به او حکمت
 آموخت، همان گونه که در کودکی به حضرت یحیی علیه السلام آموخت... علما اتفاق دارند
 بر این که مهدی همان قائم در آخر الزمان است...».

۱. أخبار الدول وآثار الأول، ج ۱، ص ۳۵۳.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور
- ۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱ - قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی
- ۲ - قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی)
- ۳ - قرآن کریم / وزیر (بدون ترجمه)
- ۴ - قرآن کریم / وزیر (ترجمه زیر، ترجمه مقابل)
- ۵ - قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی)
- ۶ - کلیات مفاتیح الجنان / عربی
- ۷ - کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی)
- ۸ - منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی)
- ۹ - منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی
- ۱۰ - نهج البلاغه / (وزیری، جیبی)
- ۱۱ - صحیفه سجادیه
- ۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام
- ۱۳ - آئینه اسرار
- ۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران
- ۱۵ - آخرین پناه
- ۱۶ - آخرین خورشید پیدا
- ۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۲۱) / شعر و رنگ آمیزی
- ۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد
- ۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)
- ۲۰ - ارتباط با خدا
- ۲۱ - از زلال ولایت
- ۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات
- ۲۳ - امامت، غیبت، ظهور
- خط نیریزی / الهی قمشهای
- خط عثمان طه / الهی قمشهای
- خط عثمان طه
- خط عثمان طه / الهی قمشهای
- خط نیریزی / الهی قمشهای
- انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- خط افشاری / الهی قمشهای
- خط افشاری / الهی قمشهای
- خط خاتمی / الهی قمشهای
- سید رضی علیه السلام / محمد دشتی
- ویرایش حسین وزیری / الهی قمشهای
- واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران
- حسین کریمی قمی
- علی اکبر صمدی
- محمود ترحمی
- واحد تحقیقات
- سید حمید رضا موسوی
- محمد حسن سیف اللهی
- واحد پژوهش
- واحد تحقیقات
- واحد تحقیقات
- علی اصغر رضوانی
- واحد پژوهش

- ۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام / علم الهدی / واحد تحقیقات
- ۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق / سید محمد حسین کمالی
- ۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیها السلام (روسی) / آلمات آبسالیکوف
- ۲۷ - امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان / سهراب علوی
- ۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات / علی اصغر رضوانی
- ۲۹ - انتظار بهار و باران / واحد تحقیقات
- ۳۰ - انتظار و انسان معاصر / عزیز الله حیدری
- ۳۱ - اهمیت اذان و اقامه / محمد محمدی اشتیاردی
- ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام / حسین ایرانی
- ۳۳ - بامداد بشریت / محمد جواد مروّجی طبسی
- ۳۴ - بهتر از بهار / کودک / شمسی (فاطمه) وفائی
- ۳۵ - پرچمدار نینوا / محمد محمدی اشتیاردی
- ۳۶ - پرچم هدایت / محمدرضا اکبری
- ۳۷ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشونت طلبی / علی اصغر رضوانی
- ۳۸ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده داری / علی اصغر رضوانی
- ۳۹ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق اقلیت‌ها و ارتداد / علی اصغر رضوانی
- ۴۰ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق زن / علی اصغر رضوانی
- ۴۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صلح طلبی / علی اصغر رضوانی
- ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد / شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد / شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) / واحد تحقیقات
- ۴۵ - تاریخ سیدالشهداء علیه السلام / شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام / سید جعفر میرعظیمی
- ۴۷ - تشرف یافتگان (چهار دفتر) / میرزا حسین طبرسی نوری
- ۴۸ - جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام / حسین علی پور
- ۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام / حسین گنجی

- ۵۰- چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام
 سید صادق سیدنژاد
- ۵۱- چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
 احمد سعیدی
- ۵۲- حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت
 محمد محمدی اشتهاردی
- ۵۳- حکمت‌های جاوید
 محمد حسین فهیم‌نیا
- ۵۴- ختم سوره‌های یس و واقعه
 واحد پژوهش
- ۵۵- خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)
 عباس حسینی جوهری
- ۵۶- خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)
 رضا استادی
- ۵۷- خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)
 محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۵۸- دار السلام
 شیخ محمود عراقی میثمی
- ۵۹- داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام
 حسن ارشاد
- ۶۰- داغ شقایق (مجموعه اشعار)
 علی مهدوی
- ۶۱- در انتظار منجی (روسی)
 آلمات آبسالیکوف
- ۶۲- در جستجوی نور
 صافی، سبحانی، کورانی
- ۶۳- در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)
 شیخ عباس قمی / کمره‌ای
- ۶۴- دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب‌های پشاور)
 کریم شنی
- ۶۵- دلشده در حسرت دیدار دوست
 زهرا قزلقاشی
- ۶۶- دین و آزادی
 محمد حسین فهیم‌نیا
- ۶۷- رجعت یا حیات دوباره
 احمد علی طاهری ورسی
- ۶۸- رسول ترک
 محمد حسن سیف‌اللهی
- ۶۹- روزنه‌هایی از عالم غیب
 سید محسن خرازی
- ۷۰- زیارت ناحیه مقدسه
 واحد تحقیقات
- ۷۱- سحاب رحمت
 عباس اسماعیلی یزدی
- ۷۲- سخنرانی مراجع در مسجد جمکران
 واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- ۷۳- سرود سرخ انار
 الهه بهشتی
- ۷۴- سقا خود تشنه دیدار
 طهورا حیدری
- ۷۵- سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات
 علی اصغر رضوانی

- ۷۶ - سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی
- ۷۷ - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبداللهی
- ۷۸ - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی) محمد امینی گلستانی
- ۷۹ - سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۸۰ - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعہ) محمد حسین نائیجی
- ۸۱ - شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح
- ۸۲ - صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید
- ۸۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسدالله هاشمی شهیدی
- ۸۴ - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی
- ۸۵ - عریضه نویسی سید صادق سیدنزاد
- ۸۶ - عطر سیب حامد حجتی
- ۸۷ - عقد الدرر في أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی
- ۸۸ - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات
- ۸۹ - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان
- ۹۰ - غدیر خم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی
- ۹۱ - غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۹۲ - فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی
- ۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی
- ۹۴ - فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی
- ۹۵ - فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی
- ۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پخش) حسن صدری
- ۹۷ - فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی
- ۹۸ - فریادرس حسن محمودی
- ۹۹ - قصه های تربیتی محمد رضا اکبری
- ۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات
- ۱۰۱ - کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

- ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد)
 ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)
 ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)
 ۱۰۵ - گفتمان مهدویت
 ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات
 ۱۰۷ - امام فضیلت‌ها
 ۱۰۸ - مشکاة الانوار
 ۱۰۹ - مفرد مذکر غائب
 ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد)
 ۱۱۱ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ
 ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه
 ۱۱۳ - منشور نینوا
 ۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات
 ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات
 ۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی
 ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۲ بحار - دو جلد
 ۱۱۸ - مهربان‌تر از مادر / نوجوان
 ۱۱۹ - مهر بیکران
 ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)
 ۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا)
 ۱۲۲ - نجم الثاقب
 ۱۲۳ - نجم الثاقب (دو جلدی)
 ۱۲۴ - ندای ولایت
 ۱۲۵ - نشانه‌های ظهور او
 ۱۲۶ - نشانه‌های یار و چکامه انتظار
 ۱۲۷ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات
- شیخ صدوق علیه السلام / منصور پهلوان
 حسن بیاتانی
 علی اصغر یونسیان (ملتیجی)
 آیت الله صافی گلپایگانی
 مرحوم حسینی اردکانی
 عباس اسماعیلی یزدی
 علامه مجلسی علیه السلام
 علی مؤذنی
 موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
 شیخ عباس قمی علیه السلام
 حسین ایرانی
 مجید حیدری فر
 علی اصغر رضوانی
 عزیزالله حیدری
 العمیدی / محبوب القلوب
 علامه مجلسی علیه السلام / ارومیه‌ای
 حسن محمودی
 محمد حسن شاه‌آبادی
 سید مهدی حائری قزوینی
 واحد تحقیقات
 میرزا حسین نوری علیه السلام
 میرزا حسین نوری علیه السلام
 بنیاد غدیر
 محمد خادمی شیرازی
 مهدی علیزاده
 علی اصغر رضوانی